

نبرد خلق

کمیسیون حقوق بشر ملل متحد
رژیم ایران را به خاطر قتل
مخالفین در خارج محکوم کرد.

کارگران همه کشورها

متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

NABARD - E - KHALGH No 135 . 22 Agust 1996

شماره ۱۳۵ دوره چهارم سال سیزدهم - اول شهریور ۱۳۷۵

در دفاع از آزادی پوشش

— زینت میرهاشمی
برنامه هایی که مقاومت ایران یک سال گذشته در مورد زنان برگزار کرده با استقبال تعداد کثیری از زنان سراسر دنیا روبرو شده است. زنان سیاستمدار، نویسنده، شاعر، روشنفکر، هنرمند، معمولی، فمینیستهای چپ، زنان مسلمان و مسیحی و غیره در این برنامه ها شرکت کرده اند. زنان شرکت کننده، به گونه های متفاوت فکری و طبقات و اقلیت ها گوناگون اجتماعی وابسته و سلیقه های مختلفی در زندگی خصوصی و اجتماعی دارند. اما همه به خاطر یک مسئله مشترک، یعنی دفاع از برابری جنسی، و همبستگی با مقاومت زنان ایران در این برنامه ها شرکت کرده اند. این برنامه ها انعکاس وسیعی در رسانه های گروهی جهان داشته و موجب حمایت بسیاری از زنان برجسته جهان از مقاومت ایران و خانم مریم رجوی شده است.

بقیه در صفحه ۴

یادداشت سیاسی ماه

تصویب تحریمهای ثانویه در مجلسین آمریکا و امضای آن توسط بیل کلینتون، گامی مهم در جهت مهار رژیم تروریست آخوندی است. سیاست مهار دوگانه که مدتی پس از انتخابات بیل کلینتون، به عنوان سیاست رسمی ایالات متحده در مورد ایران و عراق اعلام شد، تا آن جا که به رژیم ایران مربوط می شود تا کنون نه فقط به طور جدی دنبال نشده، بلکه در موارد متعددی بیش از آن که سیاستی در جهت مهار باشد، اقداماتی در جهت استمالت و همکاری با آخوندها بوده است. مهار دوگانه، طی سه سال گذشته بیشتر در رابطه با رژیم عراق صادق بوده تا رژیم ایران. عدم جدیت آمریکا در پیشبرد یک سیاست قاطع در قبال رژیم تروریست جمهوری اسلامی و تناقضاتی که دولت آمریکا در این رابطه و در عمل داشته، تاثیرات منفی پیرامون سیاستهای آمریکا در جهان و در بین متحدین غربی آمریکا به جای گذاشته است. اولین اقدام دولت آمریکا، پس از علنی شدن قرارداد شرکت کونوکو با رژیم آخوندی، لغو این قرارداد و تلاش در جهت فشار به شرکتهای نفتی سایر کشورها برای وارد نشدن در قراردادهای نفتی با رژیم ایران بود. این تلاشها بنا به علل مختلف که بعضی از آنها برای کشورهای اروپایی و ژاپن جنبه استراتژیک دارد، نتوانست با موفقیت همراه باشد. تحریمهای ثانویه، اقدامی جدید برای فشار به شرکتهای نفتی غیر آمریکایی است که در صددند از عدم حضور آمریکا در میدانهای نفتی ایران، استفاده کرده و جیبهای خود را پر کنند. در این میان اما آن چه مهم است این است که دولت کنونی آمریکا که در لحظه کنونی درگیر کارزار انتخاباتی است، تا چه میزان در پیشبرد سیاست خود، جدیت و عدم تناقض دارد. تا آن جا که به مسأله ایران و مردم کشور ما مربوط می شود، تحریم نفتی و تسلیحاتی رژیم، گامی در جهت تحقق دموکراسی در ایران و مهار بنیادگرایی اسلامی در منطقه است و ما بارها از تمام کشورها خواسته ایم که به تحریم نفتی و تسلیحاتی رژیم مبادرت ورزند. با این حال نباید این نکته را از نظر دور داشت که امر سرنگونی رژیم و تحقق دموکراسی در ایران، تنها به دست مردم ایران و مقاومت سازمان یافته آنان میسر است و از این جهت، هر اقدام نظامی از جانب دولتهای خارجی، به ضرر مبارزه مردم ایران برای سرنگونی ارتجاع حاکم و تحقق دموکراسی و حاکمیت ملی است. ما اگر تاکنون از تحریم نفتی و تسلیحاتی رژیم جمهوری اسلامی حمایت کرده و باز هم حمایت خواهیم کرد، بدین خاطر است که فروش اسلحه و خرید نفت را اقدامی اساسی در جهت تقویت رژیم آخوندی می دانیم. مردم ایران خواستار آنند که به رژیم ارتجاعی حاکم بر کشور ما کمک نشود. امر سرنگونی رژیم و تحقق ایرانی آزاد، مستقل و دموکراتیک را مردم ایران خود به عهده خواهند گرفت.

...

بقیه در صفحه ۳

۸ سال از کشتار بزرگ زندانیان سیاسی گذشت

در اوایل مرداد ماه سال ۱۳۶۷، خمین، دستور کشتار زندانیان سیاسی را صادر نمود. پس از این فرمان جنایتکارانه، مزدوران رژیم طی حدود ۲ ماه هزاران زندانی، سیاسی را به شهادت رساندند. خمین، جنایتکار در صدد بود تا این جنایت بزرگ خود را از افکار عموم مردم ایران و جهان پنهان نگهدارد. اما مقاومت ایران، این جنایت بزرگ را بلافاصله به اطلاع مردم ایران رساند و از آن موقع تاکنون رژیم جمهوری اسلام، بارها به خاطر این کشتار بزرگ و به سابقه، محکوم شده است. در سالروز کشتار بزرگ زندانیان سیاسی، ایران، خاطره زنان و مردانی که به دست عوامل ارتجاع به شهادت رسیدند را گرامی می داریم.

از زاویه ای دیگر

در صفحه ۲

سراب حقوق بشر در ایران

نقد گزارش وزارت امور خارجه هلند در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران

در صفحه ۵

فرهنگ و هنر —

- یاد از هنرمندان
- درخشش مرضیه در جشنواره های جهانی آواز در بلژیک و آلمان

در صفحه ۸

زنان —

- زنان در خط تولید
- کنفرانس زنان مذهبی اروپا
- کنفرانس بین المللی زنان
- آزادی خدمتکار فیلیپینی
- کنفرانس زنان "کلیسا و جهان"

در صفحه ۹

نبرد خلق در آغاز سال سیزدهم

با انتشار این شماره دوره چهارم نبرد خلق وارد سیزدهمین سال حیات خود می شود. دست اندرکاران نبرد خلق، از کمکها و حمایتهای بی دریغ خوانندگان و کسانی که با ارسال مقاله، خبر، گزارش، نامه و کمک مالی، ادامه کار این نشریه را میسر می سازند، سپاسگزار می کنند. امیدواریم که سال آینده نیز از تمامی این یاریهای صمیمانه، بهره مند شویم.

نبرد خلق

رجوی - تحریمهای ثانویه

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران در تاریخ ۱۵ مرداد امسال موضع گیری مقاومت ایران در مورد تحریمهای ثانویه را که توسط آقای مسعود رجوی اعلام شده را به اطلاع عموم رساند. آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران، امضای لایحه تحریمهای ثانوی علیه دیکتاتوری مذهبی و تروریستی ملایان توسط پریزیدنت کلینتون را ستود. وی ابتکار شجاعانه کنگره و رئیس جمهور آمریکا را یک گام ضروری برای مقابله با تروریسم بین المللی که از سوی حکام تهران هدایت می شود، توصیف نمود.

آقای رجوی با یادآوری عدم مشروعیت این رژیم قرون وسطایی که تاکنون فقط یک صد هزار زندانی سیاسی را اعدام کرده است، تاکید کرد، مردم و مقاومت ایران طی ۱۵ سال گذشته همواره خواستار تحریم نفتی و تسلیحاتی این رژیم بوده اند و روابط گسترده دیپلماتیک و اقتصادی با آن را علیه عالیتترین مصالح مردم ایران و در خدمت طولانی تر شدن حیات این رژیم ضد بشری می دانند. وی با تاکید بر این که سیاستهای مآشات جویانه از قبیل دیالوگ انتقادی تنها مشوق رژیم در گسترش صدور بنیادگرایی و تروریسم است، اظهار امیدواری کرد که کشورهای اروپایی و صنعتی نیز به تحریمهای تجاری علیه این رژیم پیوسته و سفارتخانه های این رژیم را که مامن تروریستها و مرجع سازماندهی و تامین لجستیکی عملیات تروریستی است، تعطیل کنند.

چهره هایمان را پنهان کرده ایم

تا ما را بهتر ببینید

در صفحه ۱۰

از زاویه ای دیگر

— منصور امان

انقلاب مشروطیت اگرچه به هدف خود یعنی برقراری و نهادی ساختن دموکراسی پارلمانی نائل نیامد اما تجارب گرانبهایی به میراث نهاد که فراگیری و کاربست آنها بسی مهمتر از تقدیس بی محتوای گذشته است. آرمانهای مشروطه در جوهره خود کماکان در چشم انداز همه آن کسانی که برای نیکبختی مردم مبارزه کرده و می کنند جای دارد.

عامل دیگر خانها و قبایلی بودند که هسته اصلی نیروی نظامی کشور را تشکیل می دادند و در برخی مناطق مرزی، رسماً و با احکام حکومتی فرمان رانده و به غارت و چپاول مشغول بودند. نیاز شاهان قاجار به یک نیروی متشکل مسلح که در مواقع ضروری (تجاوز خارجی و شورشهای داخلی) به گار گرفته شود از یک سو و باج و خراجی که دریافت می نمودند از سوی دیگر مانع از آن می گردید که با یاغی گری مقابله جدی شود. جانب این جاست که اغلب سرکردگان ایلها، رابطه بسیار حسنه ای با روسها، انگلیسیها و عثمانیها داشتند و چگونگی مقابله آنان با هجوم خارجی به هیچ عنوان روشن نبود!

قشر ممتاز روحانیون مذهبی را می توان سومین عامل به حساب آورد. آنان به بهترین صورت از روابط فئودالی سود برده و با اراده و کنترل موقوفات که شامل صدها پارچه آبادی و زمینهای متعلق به مساجد و حوزه ها بود و نیز اخذ سهم از فقیر و دارا کاملاً در سیستم آدابته شده بودند. کسانی که از روحانیون به جنبش مشروطیت پیوستند منافع جدی در روابط حاکم نداشته و بیشتر در تماس و رابطه با موکلین محروم و تهی دست خود از روستائیان رعیت شده بودند. هنگامی که جنبش مذکور خواستار مدنی شدن روابط در سطح جامعه گردید - و این در حقیقت به معنای سلب نفوذ آنان هم بود - بخش مهمی از متحدین سابق نیز سمت و سوی خود را تغییر دادند. کودتای محمد علی شاه آخرین تلاش جدی این نفاذیه سیاسی اشراف و بزرگ مالکین بود که با مقاومت گسترده مشروطه خواهان روبرو گردید. به نظر می رسد ستاره بخت خاندان قاجار رو به افول باشد، فرزند مظفرالدین شاه مدت کوتاهی پس از به تخت نشستن ناچار به کناره گیری و فرار به سفارت روسیه شد و پسر خردسال او به سلطنت رسید. این شکست برای طبقه حاکم به مفهوم ناکارایی ابزار گذشته حفظ قدرت بود. درکی که آنان را به کوشش برای تسخیر دژ از درون واداشت.

سرنوشت دردناک قهرمان مشروطیت، ستارخان را می توان به گونه ای سمبلیک به مجموعه انقلاب تعمیم داد. دربار قاجار همزونی خود را از دست داد اما سلطه فئودالیسم بر سیاست و اقتصاد بر جای ماند. وجهی الهه هایی در کسوت مشروطه خواهی پیدا شدند که کرسی وکالت را با شلاق اربابی صاحب شده بودند و اینک به مردم نوید می دادند شاه دیگر ظل اله نیست، به زندگی سابق خود بازگردید! مالا با صدور فتوا و تهدید، نفوذ غیر رسمی دیرینه خود را با افزودن بند و متمم به قانون اساسی تحکیم کردند، گردنکشان محلی به نقش ناجیان مشروطه درآمدند. روس و انگلیس به دست چین کردن مهره های جدید در زمین بازی جدید پرداختند، بورژوازی نوپای تجاری در هراس از آتشی که برافروخته بود فعلاً سر در پی محدود نمودن خسارت داشت و رویاهای شیرین انقلاب، جایی در پارک اتابک دفن می شدند.

دوگانگی مصوبات مهم مجلس اول (که از بطن جنبش برخاسته بود)، بیانگر عزم اکثریت نمایندگان بر حفظ "آرامش" و برنیانگیختن شاه مهره های گذشته بود. نمونه بارز این سیاست را می توان در قوانین مالیاتی مصوبه آن مشاهده کرد. هنگامی که

منحصر نشد و کسانی مانند میرزا ملکم خان، حاج میرزا حسن رشديه، طالبوف، میرزا حسین خان سپهسالار، میرزا آقاخان کرمانی و... نیز بدین وسیله تجربیاتی چند را با خود به ارمغان آوردند. تشکیل اولین نهاد دولتی یا "تنظیمات"، سازمان داده شده در شکل وزارتخانه ها (داخله، خارجه، جنگ، مالیات، عدلیه، علوم، فواید، تجارت، زراعت و دربار)، توسط سپهسالار انجام پذیرفت. رشديه مدارس به شکل امروزی را در حالی بنیان گذاشت که طلاب برای ویران ساختن آن مجهز گردیده بودند. نامه ها و نوشته های ملکم خان و سید جمال اگرچه رو به ارشاد و نصیحت شاه داشتند و تحول را به اراده "علیه حضرت اقدس" منوط می دانستند اما در مجموع در نشر افکار جدید مؤثر بودند. کتابها و مقالات میرزا آقاخان کرمانی و طالبوف نیز که به اتکا مشاهدات نویسندگانش به مقایسه شرایط اجتماعی ایران با کشورهای پیشرفته می پرداختند در همین راستا سهم نه چندان کوچکی در روشننگری افکار اقبال معترض ایفا نمودند. آنان روشننگر بودند زیرا روابط اجتماعی را بی رحمانه به نقد می کشیدند، نقطه ضعف هایی را برملا می کردند که طی سالیان متفادی به صورت عادت درآمده و عادی شده بودند. برای اصلاح امور به اندیشه می نشستند و چاره می جستند. به ترویج علوم و معارف پرداخته و مردم را به داوری پیرامون ارزشهای نیک اجتماعی برمی انگیزختند.

حکومتها یکی نفره پادشاهی در مقابل، مصلانه چشم بر دگرگونیهای پیرامون خود فرو بسته و اداره اندرونی و بیرونی را مترادف با مملکت داری می پنداشتند. ناصرالدین شاه به عنوان مثال در پاسخ به فشارهایی که برای مشارکت در تصمیم گیریها به او وارد می شد، پیشنهاد ایجاد یک "صندوق عدالت" (به زبان امروزی صندوق انتقادات و پیشنهادات) را ارائه داد!

مطالبه "عدالتخانه" از چنین بستری دیگرگونه برمی خواست و عناصر نوین شکل گرفته در بطن جامعه را به سوی رفرم در دستگاه سلطنت سوق می داد. مبارزه ای میان کهنه و نو آغاز گردید که از حیاط سفارت انگلیس به کوچه های محله امیرخیز ارتقا یافت و سرانجام مشروطه را به پسوند سلطنت تبدیل کرد.

اما اگر به ریشه های قدرت سلطنت در آن زمان نگاهی بیافکنیم به خوبی درخواهیم یافت که انقلاب مشروطیت بدون غلبه بر نهادها و روابط ارتجاعی اما شکل گرفته ای که حیات خود را مدیون استبداد قبیلله ای قاجار بودند و متقابلاً سنگ زیرین آن محسوب می گردیدند، نمیتوانست موفق گردد. در صدر این عوامل ساختار فئودالی جامعه بود که دو هزار مالک را - به معنای واقعی کلمه - صاحب جان و مال اکثریت قریب به اتفاق مردم ساخته بود. منبع اصلی بودجه کشور مالیاتهایی بود که آنها کم و بیش می پرداختند و سپاه فاسد و رشوه خواری از مأمورین حکومتی و حاکمان محلی را نیز در این میان به گرد خود جمع ساخته بودند که از حوزه اقتدار و منافع آنان در مقابل حکومت مرکزی دفاع می نمود. تصادفی نبود که مهمترین دشمنان مشروطیت مانند عین الدوله و بهادر جنگ نیز در زمره این طیف جای داشتند.

انقلاب مشروطیت زمانی روی داد که دربار شاهان قاجار در ضعیف ترین موقعیت خود از هنگام کسب قدرت به سر می برد. ناتوانی دستگاه سلطنت بی شکوه خاندان مذکور، تنها علل داخلی نداشت. درست در همان هنگامی که دلقکها و ملیجکها بر سرنوشت "رعایا" فرمان می راندند، در سایه ارزشهای مادی و معنوی تولید شده توسط انقلاب صنعتی، دولتهای نیرومندی در اروپا شکل گرفته بودند که کسب فضای تنفسی بیشتر را به شکل عریان و تهاجمی در دستور کار خود داشتند. شکستهای نظامی فتحعلی شاه در برابر لشکریان روسیه و پیمانهای خفت بار پس از آن و امتیازات ریز و درشتی که شاهان قاجار به انگلیسیها اهدا می کردند، تجلی این سیاست در کشور ما بود. به عنوان نمونه ناصرالدین شاه به ازای دریافت وام از انگلستان، درآمد گمرکات جنوب و سواحل خلیج فارس را به این کشور واگذار کرد. چند سال بعد مظفرالدین شاه در مقابل دریافت ۲۲ میلیون منات از بانک روس، کنترل سایر گمرکات را نیز واگذار کرد و هم او با اخذ ۳۲ میلیون منات اختیاری دارایی کشور در استانهای شمالی را نیز به روسیه وانهاد و علاوه بر آن تمهید گردید تنها از این کشور وام بگیرد!

بعد دیگر تحولات بین المللی، گسترش تجارت و رقابت شدید روسیه و انگلیس بر سر تصرف بازار کشورهای آسیایی و از جمله ایران بود. امری که به نوبه خود تولید خرد سنتی را به مصاف می طلبید و امکانات کاملاً متفاوتی بر سر راه آن می گشود. بنابراین آمار مأموران بلژیکی گمرک در سال ۱۹۰۱ میلادی، تجارت ایران با انگلیس به ۵۹ میلیون و با روسیه به ۹۶ میلیون فرانک بالغ می شد. در سال ۱۹۰۵ بازرگانی با روسیه به ۱۷۰ میلیون فرانک، با انگلستان به ۷۰ میلیون فرانک، با فرانسه به ۱۶ میلیون و با اتریش به ۶۵ میلیون فرانک افزایش یافت. سازماندهی وسیع تر کار برای افزایش تولید، به دلیل دایره نفوذ کشورهای خارجی در تعیین و اجرای قوانین گمرکی از یک طرف و نیز نوع کالاها (پارچه ابریشمی، توتون، خشکبار، پنبه، قالی، اسلحه) که بیشتر در حوزه تولید روستایی جای داشت، به خودی خود منجر به پیدایش لایه معینی با مشخصات سرمایه داری ملی نگردید، بلکه قشری از تجار را پدید آورد که منافع ویژه ای در تنظیم قراردادهای عادلانه با کشورهای بیگانه، حمایت از تولیدکنندگان داخلی، محدود نمودن قدرت سفارتها و کنسولهای بیگانه و در نهایت مسدود نمودن کانال نفوذ آنان یعنی قدرت مطلقه پادشاه و درباریان داشت. آنها در حالی که در پروسه اقتصادی تولید نقشی نداشتند اما در صحنه سیاسی به ناگزیر وظایف بورژوازی ملی را به عهده گرفته بودند و این تناقضی بود که سازش و مامشات بعدی آنها را می تواند توضیح دهد.

همگام با توسعه روابط تجاری، بازرگانان ایرانی دست به گشایش نمایندگیهای ثابت در شهرهای مهمی مانند استانبول، بغداد، مارس، لندن، منچستر، کلکته، بمبئی، باکو و تغلیس زدند. این امر زمینه تردد بسیاری از "منورالفکران" را به مراکز بین المللی ثروت، تمدن و علوم جدید فراهم آورد. هم از این رو بود که سفر به فرنگ و برخورد نزدیک با تحولات ژرف اقتصادی، ساختارهای نوین دولتی و پیشرفتهای اجتماعی تنها به توریستهای تاجدار

یادداشت سیاسی ماه

بقیه از صفحه ۱

در حالی که مجلس پنجم ارتجاع، مدتی است کار خود را آغاز کرده، رفسنجانی هنوز اعضای کابینه اش را برای گرفتن رای اعتماد به این مجلس معرفی نکرده است. این رویداد در نگاه اول به معنی آن است که رفسنجانی هنوز نتوانسته با جناح غالب بر سر تعدادی از وزرا به توافق برسد. اما مسأله رژیم آخوندی و بحرانی که با آن دست و پا می زند، بسی فراتر از اختلافات بین رفسنجانی و جناح حاکم است. واقعیت این است که رژیم در وضعیتی قرار گرفته که امکان هرگونه سیاست گذاری، حتی کوتاه مدت هم از آن سلب شده است. شکست سیاستهای اقتصادی رفسنجانی و مانورهای عوامفریبانه و غرب پسند او برای حکومت آخوندی راهی جز انجماد هرچه بیشتر و روی آوری به جنگ و صدور تروریسم باقی نگذاشته است. اما اتخاذ این سیاستها نیز اولاً مستلزم وجود یک رهبر با کفایت برای نظام ولایت فقیه و ثانیاً مستلزم نیروهایی است که بتوانند این سیاست را به گونه ای که خمینی در دوران جنگ هدایت می کرد، پیش ببرند. رژیم آخوندی

حمله نظامی رژیم به پایگاههای حزب دموکرات کردستان ایران

رادیو صدای کردستان ایران در برنامه ۷/ مرداد خود گفت: "هم چنان که انتظار می رفت و پیشتر نیز هشدار داده بودیم، رژیم جمهوری اسلامی توطئه خائنانه خود را جهت یورش به قرارگاههای حزب دموکرات کردستان ایران و محل اسکان پناهندگان کرد ایرانی و نقض حرمت خاک کشورهای همسایه آغاز کرد. شامگاه پنجم مرداد ماه ۱۳۷۵ برابر با ۲۶ ژوئیه ۹۶ یک نیروی چند هزار نفره از سپاه پاسداران رژیم مجهز به انواع سلاحهای سنگین نظیر توپ، کاتیوشا و تانک، از طریق مرز مریوان وارد خاک کردستان عراق شده و همان شب به سلیمانیه رسیده و در پادگان سلام مستقر شدند. این نیرو پس از ۲۴ ساعت به سوی منطقه کویسنجق که قرارگاه دفتر سیاسی حزب در آن قرار دارد، به راه افتاده و شامگاه ۲۸ ژوئیه در نقاط استراتژیک اطراف آن مستقر گردید.

نیروی یورشگر جمهوری اسلامی از ساعت ۶ بامداد امروز ۲۸ ژوئیه (۷ مرداد) توپ باران شدید قرارگاه حزب و اردوگاههای کردهای آواره ایرانی را آغاز کرده که تاکنون نیز ادامه دارد. و از ساعت ۱۰ بامداد امروز نیز اقدام به حمله زمینی نموده است. و هم اینک نبرد شدیدی میان پاسداران ارتجاع و پیشمرگان حزب در جریان است."

خبرگزاری فرانسه در برنامه ۱۰/ مرداد اعلام داشت که آقای عبدالله حسن زاده دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران در اربیل در مورد حمله رژیم چنین گفت: "سربازان ایران ساموریت خود را به پایان بردند. تهاجم آنها ناکام ماند. ما به فعالیت نظامی خود علیه ایران ادامه میدهم."

اطلاعیه

حوالی ساعت ۶/۳۰ بامداد امروز به وقت محلی رژیم ضد بشری آخوندی با ورود به عمق اراضی عراق مقر حزب دموکرات کردستان ایران را با کاتیوشا و انواع

اما در شرایط کنونی فاقد این عوامل است. نه خامنه ای چنین شایستگی از خود نشان داده و نه حزب الله و خط امامی به شکل سابق که یک رابطه ارگانیک با ولی فقیه داشت، وجود دارد. خامنه ای البته از هر اقدامی که سرکوب و فشار را بالا برده و جامعه را در شرایط وحشت و ترور نگهدارد حمایت می کند. او می خواهد به هر نحوی که شده، قدر قدرتی خود را نشان دهد. اما پس از نوشیدن جام زهر به وسیله خمینی در ۸ سال قبل و پس از مرگ خمینی و به مدد تلاشهای مقاومت ایران، خامنه ای اگر حتی توانایی رهبری کردن می داشت (که ندارد) نمی تواند کشتی سوراخ شده جمهوری اسلامی را به ساحل نجات هدایت کند. این موقعیت بحرانی رژیم، در مقایسه با سالهای گذشته، امکان گسترش حرکات مردمی را بیشتر فراهم کرده است.

اعتراضها و اعتصابهای مختلف در گوشه و کنار کشور، صحت این امر را ثابت می کند. برای گسترش و توسعه این حرکات مردمی، باید امیدواری به آینده و امکان تحقق حاکمیت ملی و دولت دموکراتیک، به عنوان یک چشم انداز واقعی و قابل دسترس در مردم تقویت شود. ما باید خود را برای اجرای چنین وظیفه ای سامان دهیم.

خیمپاره ها مورد تعرض قرار داد. خبرگزاری رسمی رژیم بنا به سنت دجلانه آخوندها ادعا کرد که رژیم یک حمله حزب دموکرات کردستان ایران به تعدادی از روستاهای مرزی غرب کشور را به عقب رانده است. حال آن که مواضع مورد حمله پاسداران رژیم در عمق ۶۰ - ۷۰ کیلومتری خاک عراق قرار دارد. آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران حملات وحشیانه رژیم آخوندی به خاک عراق علیه حزب دموکرات کردستان ایران را قویاً محکوم و آن را نقض آشکار قطعنامه های شورای امنیت خواند و خواستار موضعگیری بلادرتگ این شورا گردید. وی افزود این رژیم که چند سال پیش برای اکراد عراقی اشک تمساح می ریخت و مقاومت ایران را با دجالیت و هرزه درایی مورد اتهام قرار می داد، مستمرا در عمق خاک عراق دست اندر کار توطئه های تروریستی و تهاجمات نظامی علیه هموطنان کرد ایرانیان بوده است. مسئول شورای ملی مقاومت و فرمانده کل ارتش آزادیبخش تاکید کرد که ما در کنار هموطنان و برادران کردمان رو در روی رژیم پلید آخوندی ایستاده ایم و حملات زبوانه رژیم هیچ تاثیری در عزم جزم مردم و پیشمرگان کردستان ایران در مبارزه حقه شان علیه حاکمیت ننگین آخوندی نخواهد داشت. این اول بار نیست که این رژیم با سوء استفاده از شرایط عراق، و با تجاوز به منطقه تحت کنترل نیروهای متحدین، به بمباران و کشتار اکراد و گروههای کرد ایرانی دست می زند. بی پاسخ ماندن این جنایات در سطح بین المللی تا آن جا رژیم را جری کرده است که خود رسماً مسئولیت آن را به عهده می گیرد. مقاومت ایران در اطلاعیه ای به تاریخ ۲۴ ژوئیه هشدار داده بود که هم زمان با سفر رفسنجانی به همدان، انتقال کامیونهای اسلحه و مهمات شامل موشکهای مختلف از طریق مرز مریوان به کردستان عراق آغاز شده است و وزارت اطلاعات رژیم آخوندی طرحها و عملیات تروریستی متعددی را در کردستان و دیگر نقاط عراق در دستور کار خود قرار داده است."

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران - ۷/۵/۷۵

از زاویه ای دیگر

بقیه از صفحه ۲

مجلس شروط دولتهای روس و انگلیس برای پرداخت وام ۲۰ میلیون تومانی به دولت را غیر قابل قبول ارزیابی کرد، در صدد تامین این مبلغ از طریق جمع آوری سپرده هایی از بازرگانان و متمولان در بانکی به نام "بانک ملی" برآمد. این تدبیر نیز سرانجام چاره ساز نشد و تصمیم به وضع مالیات گرفته شد. مجلس به جای آن که لبه تیز نظام مالیاتی خود را متوجه درآمد و دارایی سازد و از این طریق هم به تامین واقعی بودجه و منابع مادی آن نظر داشته باشد و هم به تحکیم موقعیت قانونی خود در برابر اشراف، مالکین، خانها، دوله ها و... بسپردارند، فشار را متوجه پایین کرده و بسر ضروری ترین نیازهای روزمره مردم مانند نمک و مواد خوراکی مالیات بست (توتون و تنباکو، الکل و حیوانات باربر نیز شامل این مالیات می شدند).

نارضایتی عمومی که در نتیجه این امر پدید آمد به تضعیف عمومی دموکراتیسم جنبش (نظری و ساختاری) انجامید و زمینه قدرت یابی مجدد عناصر گذشته و افزوده گشتن نفوذ ارتجاع مذهبی را فراهم آورد.

ضعف مهم جنبش مشروطه، عدم وجود تشکلهایی بود که بتواند شور و التهاب عمومی را دست مایه تحقق سیاست و برنامه مشخص و مدونی سازند. دهها انجمن و کمیته در گوشه و کنار به وجود آمده بود اما هیچکدام نه ادعا و نه توانایی رهبری کردن داشتند و حتی برعکس با طرح اختلافات نه چندان مهم به تفرقه میان همان محدود متشکل نیز دامن می زدند.

فراکسیون دموکراتها به رهبری تقی زاده، تنها جریانی بود که از امکان واقعی تبدیل به یک حزب قدرتمند و تأثیرگذار برخوردار بود اما پروسه این تحول را اقدامات ضد انقلابی استبداد و ارتجاع قطع کرد.

در حالی که پیش و در آغاز انقلاب، در باره آماجهایی که جامعه معاصر باید فرا راه خود قرار دهد بسیار نوشته و گفته شده بود ولی تبدیل این اهداف به موضوع کارزار سیاسی برای همیشه یک آرزو باقی ماند. هم از این رو بود که بسیاری - و از جمله پیشروترین نیروهای انقلاب - کلیه ابهامات و پرسشها را با "کشایش عدالتخانه" و "تحریر قانون اساسی" پاسخ می دادند بدون این که واقعا خود دانسته باشند این عصای سحرآمیز چگونه و کجا معجزه خواهد کرد.

انقلاب مشروطیت اگرچه به هدف خود یعنی برقراری و نهادی ساختن دموکراسی پارلمانی نائل نیامد اما تجارب گرانبهایی به میراث نهاد که فراگیری و کاربست آنها بسی مهمتر از تقدیس بی محتوای گذشته است. آرمانهای مشروطه در جوهره خود کماکان در چشم انداز همه آن کسانی که برای نیکبختی مردم مبارزه کرده و می کنند جای دارد. فاصله تاریخی در این میان آموخته های دیگری را نیز به حافظه اجتماع افزوده و راه و روشهای نوینی را به آزمایش گذاشته است. از همین روست که می توان به درستی ادعا کرد فقط آنهایی که غنای تاریخی جنبش عدالت، دموکراسی و استقلال را مانعی فرا راه سیاستهای امروز خود نمی بینند در پیوند راستین با انقلاب مشروطه قرار دارند.

در دفاع از آزادی پوشش

بقیه از صفحه ۱

و این برای مقاومت ایران موجب سرفرازی است و به ویژه که ما، زنان ایران در مبارزه برای برابری احتیاج به حمایت زنان آگاه و مترقی از سراسر جهان داریم. چون مبارزه زنان در ایران ویژگیهای خاصی دارد که کمتر می توان نظیر آن را پیدا کرد. برای مثال مسئله حجاب و الگویی که استبداد مذهبی در این مورد به زنان ایران تحمیل کرده، برای زنان دیگر کشورها، به میزانی که برای زنان ایران اهمیت دارد، مهم نیست. امروز زنان ایران برای ساده ترین آرایش شلاق می خورند، در صورتی که این امر برای اکثریت کشورهای دیگر امری خصوصی محسوب می شود. بسیاری از زنان فعال، روشنفکر و مبارز جهان که در برنامه های مقاومت ایران شرکت کرده و می کنند، از آن جا که ابعاد ستم بر زنان ایرانی برایشان قابل لمس نیست، به بعضی از حساسیتها و ویژگیهای مبارزه زنان ایران توجه نمی کنند. نکاتی در بعضی از نوشته های این زنان دیده می شود که برای جامعه خمینی گزیده ایران و زنان کشور ما حساسیت ایجاد می کنند. خانم دکستر نووال السعداوی، نویسنده مشهور مصری یکی از زنان فعال و مبارزی که عمر پر بار خود را در راه مبارزه برای برابری و عدالت گذرانده پیرامون مسائل زنان ایران مطالب ارزشمندی نوشته که جای سپاسگزاری بسیار دارد. اما متأسفانه ایشان در نوشته های خود به مواردی اشاره می کنند که همان طور که در بالا گفتم، جای بحث دارد. ارزش و اعتبار خانم سعداوی بر کسی پوشیده نیست. من وقتی به موهای سفید او نگاه می کنم، سفیدی آنها را تنها یک رنگ مثل رنگهای دیگر نمی بینم، بلکه در لابه لای آن، از گذار سیاهی به سفیدی، سالها کار و مبارزه و جانفشانی می بینم. پس این سفیدی زیباتر از سفیدیهای دیگر خود را به نمایش می گذارد. به دلیل همین احترام خاصی که به شخصیت ایشان دارم، بعد از خواندن نوشته های این شخصیت مبارز، این سؤال برام مطرح شد که روی سخن خانم سعداوی با کدام زنان است. آیا خانم سعداوی واقعا با یک نگرش چپ مسائل زنان را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد و معیار ارزش گذاری او چیست؟ خانم سعداوی در مقاله خود تحت عنوان "بازگشت به وطن" که در نشریه مصری الاهالی، ۱۵ آوریل ۹۶ به چاپ رسیده نکته هایی را بیان داشته که قابل تأمل است. او می نویسد: "یک مجله ادبی را باز می کنم. بیش از دو ماه پیش نسخه ای از آخرین کتابم (ورقه های... زندگی ام) را برایشان فرستاده بودم. اما چنین کارهای ادبی جایی در آن مجله و سایر مجلات ادبی ندارند. تمام حجم روزنامه ها به مردان بالای شصت سال و یا زنان ادیب زیر سی سال غیر ادیب اختصاص دارد. عکسایشان را می بینم، با موهای بلند و ژولیده و چشמהایی با مژه هایی کشیده مثل گربه های ملوس، و زیر هر خیر ادبی یا غیر ادبی این نوشته ها به چشم می خورد: "فلانی پس از بازدید از کارخانه های جدید لوازم آرایش زنانه از سفر پاریس بازگشت" "علت این وضعیت را از مردم سؤال کردم، گفتند که سن اکثر مردان سردبیر مجلات و روزنامه ها در مصر و همچنین مسئولین صفحه های ادبی و نقد ادبی، شصت و شصت سال به بالاست و به طور طبیعی و طبق قانون مقاومت در برابر فناء جذب جوانان می شوند. آیا به این دلیل ادباء و اندیشمندان و زنان صاحب فرهنگ که سن آنها از چهل و پنجاه تجاوز کرده، خود را به نادانی می زنند، وای که اگر سن آنها از شصت بگذرد؟! "

خانم سعداوی در قسمت دیگری چنین ادامه می دهد: "در ساحل اقیانوس اطلس، پیرمردان بالای هفتاد سال را می دیدم که به دختران جوان رو می آورند، چشمانشان جذب بدنهای برهنه داخل بیکی می شود، اما چشمان آن دختران جوان، بیش از آن مردان که جذب بدنها و چهره های آنها شده، جذب جیبهای آنان می شود. "چه بسا توفیق حکیم این مطلب را گفته باشد: امکان ندارد که زن اندیشمند، جوان و زیبا باشد و زن جوان و زیبا هم امکان ندارد که اندیشمند باشد."

ابتدا به بعضی نکته های کوتاه و ساده مقاله خانم سعداوی می پردازم. اکثریت زنان تشکیل دهنده مقاومت ایران را زنان جوان تشکیل می دهند. در دوره انقلاب زنان جوان و نوجوان ایران نقش بزرگی در اعتراضات مردمی داشتند. با نگاهی به عکسهای شهدای جنبش مردم ایران، می بینیم که اکثریت آنها زنان جوان و نوجوان بوده اند. زنانی که در صد سال گذشته در ایران در عرصه های مختلف سیاسی، فرهنگی، ادبی و هنری فعالیت کرده اند. از جوانی شروع به کار کرده اند. افرادی چون پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد، مرضیه، سمین بهبهانی و ... فعالیت خود را از جوانی آغاز کردند. در مورد زیبایی آنها صحبت نمی کنم. زیرا برای سنجش زیبایی معیارهای متفاوتی وجود دارد. اما من برای ارزیابی شخصیت و موقعیت اجتماعی یک نفر به زیبایی او و یا به نوع لباس پوشیدن او و یا مسائلی از این قبیل توجه نمی کنم. به نظر من زنانی که در راه عدالت، برابری و علیه ستم و ظلم مبارزه می کنند، بی شک جزء زنان ارزشمند جامعه ما هستند.

خانم سعداوی در باره خانم رجوی در قسمت دیگری از نوشته خود می گوید: "از لوازم آرایش زنانه و آخرین مدل، استفاده نمی کنند. و مثل گربه های ملوس مژه هایش را کشیده و بلند نمی کند." به نظر من این گونه تمجید کردن از خانم رجوی، نه فقط اصولی نیست، بلکه آثار منفی نیز به جای می گذارد. خانم مریم رجوی در هر مسئولیتی که قرار گرفته و به ویژه به عنوان رئیس جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت برای دوران انتقال در موضع گیریهای مکرر خود، همیشه بر حق آزادی پوشش صحنه گذاشته و از خواسته های به حق زنان، در شکل رادیکال آن حمایت نموده است. وی همه زنان ایران را با هر عتیده و مرام و در هر شکل و لباسی به همبستگی علیه رژیم زن ستیز حاکم بر ایران فرا خوانده است. در برنامه های مربوط به زنان که خانم مریم رجوی در آن شرکت کرده اند و در برخی از آنها که من هم حضور داشته ام تعداد بانوانی که به قول خانم سعداوی "مژه هایشان را مثل گربه های ملوس" می کنند، و یا به عبارتی نقاشی شده بودند، با انواع و اقسام لباسها حضور داشته اند. این زنان در کنار مقاومت ایران بوده و نباید با شکل تحقیرآمیز با آنان برخورد کرد. در مقاومت ایران این گونه برخوردها به کلی نفی شده و این مقاومت حق پوشش (که آرایش هم جزء آن است) را امری شخصی تلقی می کند. مواضع اصولی و دموکراتیک مقاومت ما، در عمل نتایج مثبت و غیر قابل انکاری داشته است.

در بحث خانم سعداوی نباید به چند نکته پایه ای هم پرداخت. خانم سعداوی به جای نقد روابط کالایی و وحشیگری سرمایه داری، که به همه چیز به مثابه کالا می نگرد و انسانیت، زیبایی، علم و دانش که می تواند در خدمت پیشرفت و توسعه تمدن بشریت قرار گیرد را در خدمت بالا بردن ارزش اضافی و انباشت سرمایه قرار می دهد، به شکل و به روابط فرهنگی، آن هم در بعد زنانه آن می پردازد. اگر این منطق بخواد بدون تناقض، رهنمود عملی ارائه دهد، باید اعلام کند که برای سلامت جامعه، زنان باید خود را بیوشانند و به زیبایی خود اهمیت ندهند. اگر در تبلیغات روزمره از زیبایی و آرایش و

از تن زنان سوء استفاده می شود. نباید کاسه و کوزه را بر سر زنان شکست. صنعت پورتوگرافیک که یکی از رشته های سودآور دنیای سرمایه داری است، در وحشیانه ترین شکل از زنان و کودکان سوء استفاده کرده و به آنان خشونت وارد می کند. در مقابل این روابط و مناسبات، چگونه می توان برخورد کرد؟ آیا اینها روینمایی و فرهنگی است و بسا برخورد به قربانیان آن، می توان چنین مناسباتی را دگرگون نمود. برای تغییر این مناسبات و تقویت ارزشهای انسانی، مترقی و مدرن، چگونه باید حرکت کنیم و چه نیروهایی تغییر دهنده این مناسبات هستند. طبیعی است که ما معیارها و نگرشهای یکسانی نداریم، اما برای پیشرفت مبارزه و رسیدن به مراحل عالی تر، باید نقاط مشترک را برای تقویت جبهه مشترک پیدا کرد و در نهایت برای تحقق یک جامعه انسانی تلاش نمود.

بنیادگرایان مذهبی که نمونه کامل آن در ایران حاکم است، اساس عدم پیشرفت و توسعه را عاملی فرهنگی می دانند و فرهنگ غرب و کشورهای توسعه یافته را دشمن مردم اعلام می کنند. از نظر ایشان، زنان به عنوان موجوداتی شیطانی و مرموز، عامل اصلی رشد و بقا، فرهنگ "مبتذل" و مانع رشد و توسعه و فکر کردن مردان به مثابه ستون اصلی کار در جامعه هستند و به همین دلیل زنانی که به گونه ای غیر از آن حجاب مشخص شده از طرف بنیادگرایان مذهبی استفاده کنند، زنان عروسکی محسوب می شوند. از دیدگاه بنیادگرایان اسلامی آراستن و زیبا بودن بسیار خوبست اما در حریم "آقای خانه" که مالک زن است. زن با بهترین لباسها و زیورها می تواند در مقابل شوهر، یعنی پاسدار و نگهبان ناموس زن خودنمایی کند. اما در بیرون از خانه باید در حصار چادر باشد تا از کبان خانواده و جامعه در مقابل چشم مردان حفاظت شود. طبیعی است که نه مقاومت ما و نه خانم سعداوی این گونه افکار ارتجاعی و اعمال غیر انسانی را تایید نمی کنند. اما نکته مهم این است که نفی درست یک پدیده، به معنی برخورد درست با پدیده دیگر نیست. در مورد پوشش، ما زنانی داریم که پوشش برایشان یک امر عقیدتی است، زنانی داریم که پوشش برایشان یک سنت است و زنانی را داریم که دوست دارند بر طبق مد روز لباس بپوشند. این اشکال مختلف نه فضیلت است و نه گناه. آن چه اساسی است خصوصی تلقی کردن این امور و عدم دخالت در این امر است. وقتی ما از حق آزادی پوشش دفاع می کنیم تمام زنان را مورد خطاب قرار داده ایم. در این امر نباید اما و اگر قائل شویم. اما برای تغییر شرایط و انسانی کردن جامعه باید روی عنصر آگاهی در میان زنان تکیه کنیم. باید جبهه ای گسترده از زنان آگاه به حقوق و توانمندیهای خود به وجود آوریم. در این مبارزه طبعاً گوناگونی تفکر، عقاید و سلیقه وجود دارد. به رسمیت شناختن هویت مستقل افراد و جریانهای اجتماعی و احترام متقابل، شرط لازم این مبارزه مشترک است. این مبارزه سازمان و تشکل مستقل خود را می طلبد. در کشاکشهای فکری و در برخوردها و عمل اجتماعی، که باید گوناگونی آن را به رسمیت شناخت و آن را تحمل کرد، مسلماً نظر درست پیش خواهد رفت.

مبارزه برای لغو ستم جنسی و تحقق برابری بین مرد و زن، یک مبارزه اساسی و جزء لاینفک مبارزه برای تحقق دموکراسی و عدالت است. برای نفی روابط کالایی و تحقق عدالت، باید از هم اکنون برای برابری جنسی مبارزه کرد و در این مبارزه سترگ که مسلماً خانم سعداوی یکی از پیشگامان آن بوده اند، هر کسی که برای تحقق آزادی و برابری مبارزه می کند، جای خاص خود را دارد.

سراب حقوق بشر در ایران

نقد گزارش وزارت امور خارجه هلند در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران

مقدمه

پناهجویان، پناهندگان ایرانی وزارت امور خارجه هلند طی گزارشی در شماره DAZBA/Nr: 66175 در تاریخ اول مه ۹۶ در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران با ارائه مواردی بدون پایه و اساس برای قائم مقام وزارت دادگستری اعلام داشته وضعیت حقوق بشر در ایران به گونه ای مثبت است که می توان بخشی از ایرانیان پناهجو را بدون عذری به ایران بازگرداند. انجمن فرهنگی نبرد در هلند پس از اعتراضی کتبی و مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی در حمایت از پناهجویان ایرانی و با توجه به غیر واقعی بودن موارد طرح شده اقدام به نقد حقوقی گزارش مذکور نموده و پس از ترجمه به زبانهای انگلیسی و هلندی متن آن را برای مسئولین دادگستری، مجامع حقوق بشری و فعالین امور پناهندگی، عقوبت بین الملل و کمیساری عالی ملل متحد ارسال نموده است. در این نقد سعی شده با استناد به گزارشات بین المللی و مطبوعات رژیم، غیر واقعی بودن گزارش را تاکید می نماید. ما مجددا ضمن حمایت از همه پناهجویان ایرانی و هشدار به دولت هلند، مسئولیتشان در قبال جان آنها و همچنین اظهار تاسف به دلیل از دست رفتن جان چند تن از پناهجویان تحت فشارها، دادگستری در جهت اعتراض به رویه دادگستری هلند متن فارسی آن را در اختیار شما قرار می دهیم.

انجمن فرهنگی نبرد - هلند

۱۰ تیر ماه ۷۵

الف - تطبیق گزارش با ابزارهای

حقوق بین الملل :

الف ۱- گزارش مدعی است از نقطه نظرات سازمانهای غیر دولتی و نهادهایی که وضعیت حقوق بشر در ایران را پی گیری می نماید، سود برده است. در عین حال تاکید شده است که اساس گزارش بر پایه اطلاعات سفارت هلند در تهران و نمایندگی کشورهای غربی دیگر استوار است. ضعف اساسی گزارش عدم بی طرفی آن می باشد. زیرا به موجب مصوبات ملل متحد، و از جمله نظرات دادگاه اروپایی حقوق بشر، هرگونه بررسی وضعیت حقوق بشر کشورها می بایست بی طرفانه و از دیدی کارشناسانه برخوردار باشد. سفارت هلند در تهران یک ارگان دیپلماتیک دولتی و در چارچوب کنوانسیون وین در خصوص امور کنسولی رفتار می نماید و با توجه به این که سفیر می دانسته هرگونه تحقیق غیر محسوس توسط وی در ایران رفتاری خلاف عرف دیپلماتیک محسوب و از سوی عوامل رژیم برخورد خواهد شد مجبور بوده است هنگام تحقیق نقطه نظرات رژیم را منعکس نماید و موضوع دیگر این که اساسا سفیر، نمی تواند یک کارشناس حقوق بشر محسوب شود.

الف ۲- گزارش مدعی است از نظرات آقای کاپیتورن، گزارشگر ویژه ملل متحد در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران به شماره E/CN.4/1996/59 استفاده شده است. با بررسی گزارش مذکور و گزارش وزارت امور خارجه می توان به نقاط عمیق اختلاف پی برد. زیرا سند محکومیت رژیم ایران در نشست ۵۲ حقوق بشر در ژنو در تاریخ ۲۳ آوریل که نماینده کشور هلند نیز آنرا امضا نموده بر اساس نظرات آقای کاپیتورن صادر گردیده است و

در مجموع این سند اوضاع حقوق بشر در ایران را کماکان بحرانی و نگران کننده توصیف نموده است.

الف ۳- اساس رسیدگی برای وضعیت حقوق بشر در کشورها را معاهدات ملل متحد از جمله میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی (ICES) و میثاق حقوق مدنی سیاسی (ICPR) و مقاله نامه علیه شکنجه و سایر رفتارها و مجازاتهای وحشیانه یا تحقیرآمیز (Commide against torture) و هم چنین اعلامیه مربوط به رفع هرگونه اعمال تبعیض آمیز و عدم تحمل به خاطر مذهب یا مسلک مورخ ۱۹۸۱ تشکیل می دهند. با بررسی گزارش به این نتیجه خواهیم رسید که گزارشگر بدون توجه به معاهدات بین المللی و تطبیق وضعیت حقوق بشر در ایران با آنها، نظر خود را اعلام نموده است.

ب: بررسی موارد ابراز شده در گزارش:

ب ۱- در بخش مربوط به وضعیت سیاسی فعلی رژیم، گزارشگر معتقد به ثبات و هماهنگی ارگانیک و وجود تشکیلی از حاکمیت در ایران است و دلیل آن را تشکیل دولت بر اساس قانون اساسی می داند. در این بخش گزارشگر وجود تعدد ارگانها و نهادهای تصمیم گیری و باندهای حکومتی را نادیده می گیرد و هم چنین از گروههای فشار تحت حمایت دولت موسوم به انصار حزب الله و گروههای مشابه که هر یک به جناحی از حکومت وابسته و سهم خود را در سرکوب مردم می طلبند صحبت به میان نمی آورد. مهم است که سازماندهی این گروههای فشار توسط "آیت الله جنتی" یک عضو عالیرتبه رژیم و عضو شورای نگهبان قانون اساسی، که گزارشگر آن را نقطه قوت رژیم تلقی کرده صورت می گیرد. هم چنین در این بخش از وجود نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام که به تنهایی قادر است تمامی قوانین و مصوبات را وتو و به مراتب نقشی مهمتر از شورای نگهبان را در رابطه با تصویب قوانین و مقررات سرکوبگرانه جهت تثبیت رژیم دارد، صحبتی به میان نمی آورد.

آقای کاپیتورن در گزارش خود به کمیسیون حقوق بشر با ذکر نام مسئولان بلند پایه رژیم در بخش مراعات قانون اعلام داشته که به نظر می رسد در ایران نظر شخصی افراد رده بالای حکومتی از قانون مدون بالاتر باشد.

ب ۲- در بخش مربوط به فعالیتهای سیاسی گزارشگر مدعی است در ایران هیچ گروه فعال سیاسی وجود ندارد و مجازات افرادی که در میتینگهای سیاسی شرکت و یا مبادرت به پخش اعلامیه کنند از چند روز تا ۳ ماه است که آن هم عملا اجرا نمی شود. بدوا می بایست از آقای گزارشگر پرسید اگر هیچ گروه سیاسی در ایران وجود ندارد منظور وی از شرکت در میتینگ سیاسی و پخش اعلامیه چیست؟ بهتر بود گزارشگر از لفظ ممنوعیت هرگونه فعالیت سیاسی در ایران استفاده می کرد. بدین ترتیب با توجه به این که اساسا هرگونه فعالیت سیاسی چه به صورت گروهی و چه به صورت انفرادی در ایران ممنوع و برای آن از سوی رژیم مجازاتهای سنگین، تزام با شکنجه در نظر گرفته شده فعالیت سیاسی به صورت مخفیانه انجام میگردد و مهمتر این که مسئولان بلندپایه رژیم هرگونه حرکت اعتراضی مردم را ناشی از فعالیت سیاسی نیروهای مخالف خود عنوان و با آن به شدت برخورد می کنند.

اما این که گزارشگر مجازات فعالین سیاسی در ایران را زندان از چند روز تا ۳ ماه عنوان نموده است می توان وی را به قوانین مدون در ایران رجوع داد. به موجب ماده ۲ قانون مجازات اسلامی که در حال حاضر لازم الاجرا است، مجازات افرادی که در یکی از گروهها و دستجات مخالف رژیم در داخل و خارج کشور فعالیت می کنند از ۲ تا ۱۰ سال زندان و در صورتی که با قصد براندازی توام باشد تا اعدام

تعیین گردیده است. هم چنین در پارلمان رژیم در تاریخ ۳۰ اکتبر ۹۴ ماده واحده ای تصویب شده است که به موجب آن مأمورین انتظامی اجازه دارند که به طرف شرکت کنندگان در تظاهرات ضد دولتی تیراندازی مستقیم کنند. این مواد قانونی ابزار عمل محاکم قضایی در ایران در برخورد با فعالین سیاسی است.

ب ۳- در مورد حق حیات و حقوق انسانی گزارشگر معتقد است اعدام همچنان در ایران انجام می گیرد. اما در ذکر موارد آن احکام اعدام در خصوص فعالین سیاسی قید نشده است. در وهله اول این که اساسا مجازات اعدام در معاهدات بین المللی نهی و حتی الامکان محدود گردیده است، رژیم ایران که امضا کننده این معاهدات بین المللی از جمله معاهدات حقوق سیاسی مدنی است، عملا در محدود نمودن مجازات اعدام گام عملی برداشته است. تنها ظرف ۴ ماه گذشته احمد باختری یک عضو سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در ۲۲ ژوئن ۹۶ پس از سالها شکنجه در زندان اعدام شده است. ۳ تن از هواداران سازمان مجاهدین خلق به نامهای آذرخسی، علیرضا و صادق خسی پس از سالها زندان و تحمل شکنجه به جهت فعالیت سیاسی در تاریخ ۱۰ فوریه ۱۹۹۶ اعدام شدند. سلیم صابرنیا و مصطفی قادری دو تن از اعضای کومله پس از نزدیک به ۷ سال زندان، در تاریخ دوم آوریل در شهر ارومیه اعدام گردیدند. هم چنین می توان از اعدام ۱۰ تن از اعضا و هواداران حزب دموکرات کردستان ایران در غرب کشور نام برد.

ب ۴- گزارشگر در بخش مربوط به شکنجه و زندان پس از تائید انجام شکنجه در ایران در زندانها، در مراحل بازپرسی، رژیم را مقید به اجرای اصل ۳۸ قانون اساسی اش که انجام شکنجه توسط مأمورین را ممنوع اعلام داشته است، می کند بدوا لازم به توضیح است قانون اساسی رژیم در سال ۱۹۸۰ تصویب شده و در ۱۷ سال گذشته عملا

شکنجه در زندانها مرسوم و اعمال گردیده است. در این مورد می توان به گزارشات پرفسور Koijmans دیپلمات هلندی که مدتها گزارشگر ویژه دبیرکل سازمان ملل در امور شکنجه و رفتارهای تحقیرآمیز بوده اشاره کرد. او صراحتا اعلام داشته علیرغم مکاتبات مکرر با دولت ایران در خصوص شکنجه هیچ گاه به سؤالات و تحقیقات وی پاسخی نداده اند. هم چنین آقای هلموت شیم کوس یک مهندس آلمانی که بیش از ۵ سال در زندانهای ایران اسیر بوده است. او پس از آزادی در مصاحبه با روزنامه فوکوس ۱۱ ژوئیه ۹۴ صراحتا شیوه های شکنجه و گرفتن اقرار در زندانهای ایران را توضیح داده است. گزارشات آقایان گالیندویل و کاپیتورن مؤید این نکته است که شکنجه در ایران از ابزار اصلی دریافت اطلاعات و اقرار افراد بازداشتی است.

معاهده منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازاتهای وحشیانه غیر انسانی و تحقیرآمیز مصوبه ۱۹۸۷ هرگونه شکنجه را منع و تبصره سوم همین معاهده که به تصویب دادگاه حقوق اروپایی حقوق بشر نیز رسیده است کشورهای عضو را ملزم به عدم استرداد افراد به سرزمینهایی که بیم شکنجه در آن جا می رود نموده است.

ب ۵- در بخش مربوط به زنان گویا گزارشگر اساسا در مورد کشور دیگری و نه ایران گزارش داده است. موقعیت زنان در ایران بر هیچ کس پوشیده نیست فقط ۷ روز قبل از تنظیم گزارش وزارت امورخارجه هلند، پنجاه و دومین نشست کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در ژنو در تاریخ ۲۳ آوریل ۱۹۹۶ در سند ۴ قطعنامه محکومیت رژیم ایران به استناد گزارش آقای کاپیتورن و سازمانهای غیر دولتی و بی طرف، نگرانی شدید خود را از تبعیض و

سراب حقوق بشر در ایران



برخوردار نبودن زنان از حقوق و آزادیهای مصرحه در معاهدات بین المللی اعلام کرده است. گزارشگر وزارت امور خارجه می گوید در ۳ سال گذشته هیچ موردی از دستگیری و مجازات زنان توسط رژیم دریافت نگردیده است. روزنامه کیهان مورخ نوامبر ۹۵ به نقل از فرمانده ناحیه انتظامی تهران اعلام داشت در طول یک سال یک میلیون و سیصد و بیست و پنج هزار و هفتصد زن به اتهام نداشتن حجاب مناسب تحت تعقیب قرار گرفته اند که ۲۶۰۰۰ نفر از آنان با تشکیل پرونده جهت رسیدگی تحویل دادسرا و مابقی با تعهد کتبی مبنی بر عدم آرایش چهره و کامل بودن حجاب آزاد شدند. بدین ترتیب در مدت یک سال فقط در شهر تهران ۲۶۰۰۰ زن ایرانی به جهت مخالفت با دستورالعمل حجاب اجباری رژیم به دادگاه معرفی شدند که به طور متوسط ماهیانه ۳۰۰۰ نفر بوده است.

روزنامه کیهان رژیم مورخ ۱۳ شهریور ۷۳ اعلام داشت در یک مجلس عروسی در شهر مشهد، عروس و داماد و ۱۲۶ میهمان آنها به جهت نداشتن حجاب مناسب و استفاده از موسیقی در جشن عروسی توسط مأمورین رژیم دستگیر و به زندان و شلاق محکوم گردیدند. در بین محکوم شدگان به شلاق، عروس در شب عروسی اش به ۸۵ ضربه شلاق، خواهر عروس به ۷۵ ضربه شلاق و ۲۸ زن دیگر ۲۵ ضربه تا ۶۰ ضربه شلاق محکوم شدند. از دسامبر ۱۹۹۶ شرکت حضور زنان در استادیومهای فوتبال ممنوع اعلام شده و رژیم در آوریل ۹۶ اعلام داشت زنان و دختران حق دوچرخه سواری در خیابانها را ندارند.

گروههای فشار تحت حمایت دولت همه روزه در خیابانها، سینماها و اماکن عمومی به ضرب و شتم و اذیت و آزار زنان می پردازند. بنا به گزارش گروه حقوق بشر پارلمان انگلیس در سال ۱۹۹۶ پاسداران به صورت زنانه که نخواسته اند به حجاب اجباری رژیم تن دهند اسید پاشیده اند.

شرکت زنان در بسیاری از رشته های ورزشی و دانشگاهی با دستور دولت ممنوع اعلام گردیده و عملاً رژیم به محدود نمودن حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی زنان پرداخته است.

ب- ۶- در بخش مربوط به عمل زنا گزارشگر مدعی است در ۳ سال گذشته هیچ موردی از مجازات سنگسار مشاهده نشده است. برای ادعای گزارشگر معتبرترین شکل استناد به مطبوعات رژیم در داخل کشور و خبرگزاری رسمی رژیم می باشد.

۱- روزنامه جمهوری اسلامی ۲۳ آبان ۱۳۷۴: علی شاه همدانی در تاریخ ۱۹ آبان ۷۴ در شهر همدان با حکم شعبه ۸ دیوانعالی کشور به اتهام زنا سنگسار شد.

۲- روزنامه ابرار ۱۶ نوامبر ۱۹۹۶: دو مرد و یک زن به اتهام زنا و با حکم دادسرای انقلاب اسلامی در شهر ساری سنگسار شدند.

۳- روزنامه همشهری ۱۲ ژوئن ۱۹۹۶: یک مرد و یک زن به دلیل زنا در شهرستان ارومیه سنگسار شدند.

۴- روزنامه همشهری ۷ دسامبر ۱۹۹۵: یک مرد و یک زن به اتهام زنا در شهرستان رامهرمز سنگسار شدند.

۵- روزنامه رسالت دوم مارس ۱۹۹۴: یک زن به جرم زنا در شهر قم سنگسار شد.

ب- ۷- گزارشگر در بخش حقوق اقلیتهای مذهبی اعلام داشته، اهل تسنن در اجرای اعمال دینی خودشان آزادند در حالی که آقای عامر گزارشگر ویژه دبیرکل ملل متحد در مورد بردباری مذهبی در گزارش مورخ ۹ فوریه ۱۹۹۶ خود به شماره (E/CN.4/96/95 ADO2) در پاراگراف ۵۱ و ۵۰ اعلام

می کند، سنیها در تهران مسجدی برای عبادت در اختیار ندارند. آنها علیرغم این که تقاضای احداث مسجد ویژه سنیها با هزینه شخصی را نموده اند، با مخالفت رژیم روبرو گردیده اند. هم چنین در شهر مشهد عبادتگاه اهل تسنن توسط رژیم تخریب و با احداث مجدد آن موافقت نگردید. به گزارش عفو بین الملل تا کنون در طی ۲ سال گذشته ۵ نفر از رهبران سنی مذهب به نامهای ضیائی و صیاد که مدتها در زندان بوده اند در درون ایران و هم چنین مولوی عبدالملک و دو همراهش در پاکستان توسط عوامل رژیم ترور شدند. نامبرندگان از رهبران اهل سنت و از محبوبیت خاصی برخوردار بوده اند.

گزارشگر وضعیت وضعیتهای مسیحیان ایرانی را خوب توصیف نموده است و می گوید آنها با مشکلی جدی در انجام آداب مذهبی خود مواجه نیستند. آقای عامر گزارشگر ویژه دبیرکل در پاراگرافهای ۷۶ تا ۷۰ به وضعیت اقلیتهای مسیحی به ویژه پروتستانها می پردازد و اظهار می دارد که نماینده کلیسای پروتستان تهران ادعا داشت که در راه فعالیتهای مذهبی آنها موانع جدی وجود دارد. جامعه انجیلی ایران از سال ۱۹۹۰ تعطیل شد. فروش انجیل فارسی ممنوع است و ۲۰۰۰ نسخه انجیل فارسی در سپتامبر ۱۹۹۱ ضبط و مصادره گردید. کلیساهای مشهد، ساریف کرمانشاه، اهواز، کرمان و گرگان از سال ۱۹۸۸ تاکنون تعطیل است. پروتستانها هنگام نیایش حق گفتگو به زبان فارسی را ندارند. در همین گزارش آقای عامر می گوید بسیاری از اساکن، آپارتمانها، بیمارستانها و مراکز کمک به نابینایان، مدارس و خانه های دانشجویی متعلق به کلیساهای اندوخته بانکی آنها مصادره شده و تاکنون عودت نگردیده است.

گزارش وزارت امور خارجه می گوید تاکنون موردی از مشکلی جدی برای کسانی که تغییر مذهب داده اند مشاهده نشده است. آقای عامر در پاراگراف ۸۳ از مهدی دبیاج کشیشی که پس از تغییر مذهب از اسلام به مسیحیت دستگیر و مدت ۱۰ سال زندان بوده است، نام می برد. و می گوید: وی به جهت تغییر مذهب به مرگ محکوم شد و تحت فشارهای بین المللی از زندان آزاد و سپس توسط عوامل رژیم ترور گردید. آقای گلیندوپل در گزارش خود به شماره (E/CN.4/91/35) در پاراگراف ۲۷۵ می گوید کشیش حسن سومند که از اسلام به مسیحیت گرویده بود در ۳ دسامبر ۱۹۹۰ در زندان مشهد اعدام شد. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در نشست پنجاه و دوم خود در تاریخ ۲۳ آوریل به ویژه در بندهای ۳ و ۴ ضمن ابراز نگرانی از رفتار رژیم با اقلیتهای مذهبی به ویژه جامعه بهایی و مسیحیان ایران رژیم را به مراعات حقوق اقلیتهای مذهبی فرا می خواند.

ب- ۸- گزارشگر در بخش مربوط به جامعه کردها در ایران می گوید رفتار رژیم با کردها

مناسب و فعالیتی به نام کردهای مخالف در ایران وجود ندارد پس حزب دموکرات کردستان ایران را وابسته به عراق معرفی کرده است. مشخصاً در این بخش گزارشگر نظر مسئولان رژیم را عنوان می نماید. زیرا حزب دموکرات کردستان ایران با بیش از ۴۰ سال فعالیت سیاسی و برخوردار بودن از حمایت بخشی از کردهای ایرانی، با خواسته خودمختاری برای کردستان و دموکراسی برای ایران نه تنها وابسته به کشور خارجی نیست بلکه سعی دارد خواست برحق کردهای ایرانی مبنی بر خودمختاری را که در چارچوب قوانین بین الملل پذیرفته شده احراز نماید. در باره فعالیت اپوزیسیون کردی می توان به صدها ترور در خارج از ایران برای اعضا و هواداران نیروهای سیاسی و فعال در کردستان به ویژه حزب دموکرات کردستان ایران، کومله و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را اشاره نمود.

موارد متعدد بمباران روستاهای کردستان و کوچ اجباری کردهای ایرانی و محرومیتهای مضاعف اقتصادی و سیاسی در حق آنها که مکرراً مورد توجه سازمانهای بین المللی قرار گرفته از دید گزارشگر پنهان مانده است. هم اکنون دانشگاه برلین در آلمان مشغول رسیدگی به پرونده ترور رهبران کرد ایرانی توسط نیروهای رژیم است. هم چنین حکم جلب وزیر اطلاعات رژیم از سوی این دانشگاه صادر گردیده است.

گزارشگر کردهای ایرانی را به مخفی نمودن عقاید خودمختاری و دموکراسی طلبانه خود دعوت نموده است و به اشتباه فکر می کند که گویا حق خودمختاری خلقها که در پیمان اقتصادی، اجتماعی ملل متحد نیز به رسمیت شناخته شده را می توان مثل دعا و نیایش در پشت دریهای بسته خانه ها انجام داد

ب- ۹- سیستم قضایی در ایران

از ماه مه سال ۱۹۹۵ سیستم قضایی جدید در ایران دادگاهها را به دو دسته تقسیم نمود

۱- دادگاههای عمومی یا عام، که صلاحیت رسیدگی به تمامی پرونده ها مگر آنهایی که در صلاحیت دادگاه ویژه باشند را دارا است. بدین ترتیب با حذف مراحل رسیدگی مقدماتی در دادسرا توسط قاضی تحقیق یک نفر که همان رئیس دادگاه است خود مبادرت به تحقیق و صدور حکم می نماید. یعنی قضایی که خود موارد را تحقیق و کیفرخواست صادر نموده براساس تحقیقات و کیفرخواست خود مبادرت به صدور رای می نماید. این قاضی صلاحیت رسیدگی به تمامی پرونده های جزایی، حقوقی، خانوادگی، اطفال، مطبوعات را دارا است. این سیستم قضایی و رویه تشکیل دادگاههای عام با هیچ یک از تئوریا و اصول قضایی همخوانی نداشته و اصول اساسی صلاحیت ذاتی و نسبی و حقوق طرفین در پرونده را نادیده گرفته است.

۲- دادگاههای ویژه که شامل دادگاههای انقلاب، ارتش و ویژه روحانیت می باشد، تابع شرایط خاصی است که پس از بررسی موارد صلاحیت آنها متوجه خواهیم شد صرفاً با هدف سرکوب، و نقض ابتدایی ترین حقوق انسانها تشکیل شده است.

برخلاف نظر آقای گزارشگر نسبت به تمامی احکام صادره از دادگاهها در ایران نمی توان تقاضای تجدید نظر نمود. ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب به تاریخ ۷۳/۴/۲۶ موارد تجدید نظر از آراء صادره را در سه مورد خلاصه نموده است.

در صورتی که قاضی صادر کننده رای متوجه اشتباه رای خود شود، در صورتی که قاضی دیگری پی به اشتباه در رای صادره ببرد، در صورتی که ثابت شود قاضی صادر کننده رای صلاحیت رسیدگی و انشاء رای را نداشته است. ضمن این که تقاضای تجدیدنظر از آراء صادره از دادگاههای ویژه تابع شرایط خاص می باشد.

آقای گزارشگر مدعی است ۲۴ ساعت پس از دستگیری متهم به وی تفهیم اتهام شده و در فاصله کوتاهی در دادگاه حاضر می شود. جدیدترین گزارش آقای کاپیتونر خلاف این گزارش می باشد. در کشوری که حق داشتن وکیل از متهم سلب و اساساً قانون وکلای مستقل وجود ندارد چگونه می توان ادعای امنیت قضایی داشت. شاید آقای گزارشگر نمی داند که "افتخار جهرمی" که رئیس کانون وکلای مرکز در ایران است در عین حال از سمت مشاور حقوقی رئیس جمهور نیز برخوردار می باشد.

گزارشگر در بخش مربوط به لایحه مجازاتهای اسلامی بدون توجه به این که در بخشهای قبلی اتکا بقیه در صفحه ۷

اقدامات انجمن فرهنگی نبرد در حمایت از پناهجویان ایرانی

• نامه سخنگوی دادگستری هلند

• نامه رئیس فراکسیون حزب سبزهای چپ

در پارلمان هلند

نامه ای اعتراض انجمن فرهنگی نبرد نسبت به اخراج پناهجویان ایرانی و نقد گزارش وزارت امور خارجه هلند، گزارشی از طرف سخنگوی دادگستری هلند برای انجمن فرهنگی نبرد در هلند در ۱۵ ژوئیه ۹۶ ارسال گردیده است. در نامه سخنگوی دادگستری هلند نوشته شده که: "ما نامه مورخ ۷ ژوئیه و گزارش شما در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران (نقد گزارش وزارت امور خارجه هلند) را دریافت نمودیم. به همین جهت سیاست کلی دادگستری در قبال پناهجویان ایرانی را برای شما توضیح می‌دهم. در تاریخ ۲۹ نوامبر ۹۴ من گزارشی از سوی وزارت امور خارجه دریافت نمودم که شرایط حقوق بشر در ایران را نسبت به سالهای قبل بهتر ارزیابی می‌کرد. براساس همین گزارش دادگستری در تاریخ ۲۵ ژانویه ۹۵ از پارلمان تقاضای حذف پروسه پناهجویان را نمود. دادگاه دوم نوامبر ۹۵ به این موضوع صحنه گذاشت که می‌توان پناهجویان ایرانی را که پروسه پناهندگی آنها به اتمام رسیده و از (Recht bank) جواب منفی گرفته اند، را به ایران باز گرداند. در تاریخ ۱ می ۹۶ مجدداً من گزارشی از وزارت امور خارجه دریافت نمودم که شرایط جدید حقوق بشر در ایران را مجدداً مثبت و بهتر از سالهای اول انقلاب ارزیابی نمود. بر همین اساس در تاریخ ۲۴ می ۹۶ مجدداً از پارلمان تقاضا نمودم که با اخراج پناهجویان ایرانی رد شده موافقت نماید. پارلمان با طرح دادگستری مبنی بر اخراج پناهجویان رد شده از سوی دادگاهها موافقت نمود، اما اخراج سربازان فراری زمان جنگ و ارتشیان فراری را تا رسیدن گزارش جدیدتر به تعویق انداخت. بدین ترتیب پارلمان به من اجازه داد که پناهجویان ایرانی رد شده را به ایران باز گردانم. توجه داشته باشید که کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل متحد تاکنون به سیاست ما در قبال پناهجویان ایرانی اعتراض نداشته است."

هم چنین از سوی رئیس فراکسیون حزب سبزهای چپ در پارلمان نیز نامه ای به تاریخ ۲۹ ژوئیه ۹۶ برای انجمن فرهنگی نبرد ارسال گردیده است. در این نامه آمده است: "گزارش انجمن شما در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران را در اختیار بخش امور خارجه فراکسیون قرار دادیم تا در تاریخ ۱۹ اوت ۹۶ به آن بپردازد. هم چنین به ضمیمه این نامه متن اعتراض ارسالی مورخ ۱۸ ژوئیه خطاب به وزیر امور خارجه و خانم اشمیت قائم مقام وزارت دادگستری در مورد به تعویق انداختن اخراج پناهجویان ایرانی را برایتان ارسال می‌کنم. ما منتظر پاسخ نامبردگان هستیم."

در همین رابطه هم چنین نامه هایی از سوی فراکسیون حزب سوسیال دموکرات هلند (PVDA) در پارلمان، اداره (VVN) و شورای کلیساهای هلند برای انجمن فرهنگی نبرد ارسال گردیده است.

— ترکیه

تحويل پناهجویان

روز ۲۰ مرداد امسال، دولت ترکیه ۲۱ نفر از پناهجویان ایرانی را تحويل رژیم جمهوری اسلامی داده است. بر اساس اخبار دریافتی، تمامی این عده دستگیر و زندانی شده اند.

— سوئد

— گزارش از زاگرس

اعتراض ایرانیان علیه کشاکش خط هوایی ایران ایر میان تهران و استکهلم

با برقراری پرواز ایران ایر به سوئد، ایرانیان در شهرهای مختلف دست به حرکت‌های اعتراضی وسیع زدند. هر هفته تعدادی از ایرانیان بالغ بر ۵۰ الی ۷۰ نفر در فرودگاه آرلاندا در استکهلم اجتماع کرده تا تنفر شدید خود را به مقامات سوئدی نشان دهند. در شهرهای یوتبری، مالمو حرکت‌های انجام گرفته که در یک حرکت اعتراضی در مالمو در ماه گذشته نزدیک به ۱۰۰ نفر شرکت کردند و خواهان قطع پرواز ایران ایر شدند. این کمیته که نام آن "کمیته مبارزه بر علیه تهاجم فرهنگی رژیم تروریستی جمهوری اسلامی" نام دارد در شهرهای مختلف این حرکت را وسعت بخشیده است. در ضمن حزب چپ سوئد از این حرکت ایرانیان حمایت نموده و در اطلاعیه ای خواهان قطع فوری پرواز هواپیمای ایران ایر به استکهلم شده است. از طرف دیگر وزیر ترابری سوئد در یک عقب نشینی بیان کرد که این پروازها آزمایشی است.

پایان تحصن

به دنبال دو هفته تحصن در شهرهای یوتبری و استکهلم علیه سیاست پناهنده پذیری دولت سوئد و اعتراض به عملکرد غیر انسانی دولتهای ترکیه و هلند حرکت‌های اعتراضی زیر صورت گرفته است:

۱- تعدادی از ایرانیان اقدام به برپایی یک تحصن ۲ هفته‌ای نمودند. خواست آنها دادن اقامت به پناهندگان ایرانی در سوئد و قطع اخراج پناهندگان از ترکیه و هلند است.

۲- سخنگوی تحصن کنندگان به رادیوی فارسی زبان سوئد (پژواک) گفت، به یک راهپیمایی از استکهلم و یوتبری با پای پیاده به طرف اداره مهاجرت در نیشویینگ دست خواهند زد تا افکار عمومی را متوجه سیاستهای ضد پناهندگی دولتهای سوئد، ترکیه و هلند نماید.

۳- ۱۵۰ نفر که اکثر آنها زن هستند از استکهلم پیاده به طرف اداره مهاجرت به راه افتادند. این مسافت ۱۴۰ کیلومتر است راهپیمایان روز چهارشنبه ۱۳ اوت در مقابل اداره مهاجرت اجتماع کردند.

۴- هم زمان با حرکت استکهلم، حرکت مشابهی هم از یوتبری صورت گرفت که در آن بالغ بر ۹۰ نفر شرکت داشتند.

حمله با چاقو

در اول مرداد امسال یکی از پناهندگان سیاسی در سوئد در محل سکونتش مورد حمله ۲ نفر قرار گرفت و با چاقو مجروح گردید. این پناهنده مضروب شده که یک زن است در مصاحبه با رادیوی فارسی زبان سوئد (پژواک) این حمله را به عوامل جمهوری اسلامی نسبت داد و گفت که در سال گذشته در سالمرگ خمینی جلاد در یک حرکت اعتراضی شرکت کرده و به همین دلیل چون یک فعال سیاسی است رژیم او را مورد حمله قرار داده است.

تظاهرات پناهجویان در سوئد

به گزارش رادیو اسرائیل صدها نفر از ایرانیان مقیم سوئد در اعتراض به سیاست جدید دولت که در راه پذیرش پناهندگان مشکلات تازه بی ایجاد کرده و حتی قصد دارد شماری از ایرانیان پناهجو را از آن کشور اخراج کند، روز ۵/مرداد/۷۵ در استکهلم و گوتبرگ به تظاهرات و راهپیمایی دست زدند. به گزارش رادیو جوانان در استکهلم قرار است ایرانیان مقیم پایتخت سوئد و شهر گوتبرگ پیاده مسافتی را به طول ۲۰۰ کیلومتر تا شهر شرونشیرینگ را طی

کنند. رادیو پژواک در برنامه روز ۱۸/مرداد پیرامون وضعیت پناهجویان در سوئد می‌گوید: "نزدیک به نیمی از ۱۶ هزار نفری که قرار است از سوئد اخراج شوند، به زندگی مخفی روی آورده اند که از این تعداد ۱۳۰۰ تن کودک زیر ۱۶ سال هستند. به گفته آنتیتا دورازیو رئیس کمیته پناهجویان در استکهلم وضعیت روحی این کودکان و خانواده‌های آنان بسیار نامناسب است. یک جوان ۲۵ ساله از همین پناهجویان اخراجی به منظور فرار از گرفتار شدن به دست پلیس از طبقه هفتم خانه بی در رینکیبی در شمال استکهلم خود را به پایین پرتاب کرد و جان خود را از دست داد."

سراب حقوق بشر در ایران

بقیه از صفحه ۶

به قانون از سوی رژیم را ستایش و از آن به عنوان یک نکته مثبت نام برده است، در این بخش قوانین مدون در ایران را ندادیده گرفته و از مجازاتهای سنگین برای فعالین سیاسی در داخل و خارج کشور به طور سطحی می‌گذرد. می‌بایست پرسید اگر گزارشگر معتقد است در سیستم قضایی به موارد قانون بها داده میشود، تعیین قوانین مجازات مجرای عمل قرار می‌گیرد، در غیر این صورت نکته ای برای بالیدن به آن نمی‌ماند.

نتیجه گیری

۱- گزارشگر در تمامی بخشهای گزارش، فعالین سیاسی، اقلیتهای مذهبی، گروههای اجتماعی، اقلیتهای قومی، زنان، هنرمندان را جهت دورنگاه داشتن از مجازات و انتقام رژیم دعوت به مخفی نمودن عقاید خود در چارچوب خانه و پرهیز از عنوان نمودن آنها در جامعه نموده است. همه مواردی که از سوی گزارشگر اعلام شده و در صورت علنی شدن با مجازات و برخورد جدی رژیم مواجه می‌گردد، جزء حقوق اولیه و اساسی انسانها است که در تمامی معاهدات بین المللی بدان اشاره شده است. پایه رعایت حقوق بشر توسط حکومت باید بر این اساس استوار باشد که نیروی حاکم بر جامعه تمامی این حقوق را در نظر بگیرد. هرگاه حکومتی به هر دلیل به این موارد خدشه وارد نماید یا برای ارتقاء به آنها مجازاتهای غیر انسانی تعیین نماید می‌توان گفت این حکومت حقوق بشر را رعایت نکرده است. آقای گزارشگر باید بداند دلیل تحت نظارت گرفته شدن وضعیت حقوق بشر در ایران از سال ۱۹۸۰ تاکنون و ۳۷ بار محکومیت از سوی سازمان ملل و ارگانههای وابسته به آن و همچنین دهها بار محکومیت از سوی پارلمان اروپا و محافل حقوق بشری براساس عدم رعایت حقوق بشر صورت گرفته است.

۲- در هیچ بخشی از گزارش اعلام نشده فعالیت و داشتن عقایدی که خوشایند رژیم نیست و مخفیانه بوده در صورت علنی شدن با چه واکنش و مجازاتی روبرو خواهد شد. مگر نه این که گزارشگر معتقد است در ایران از سوی رژیم به قوانین مصوبه توسط خودش بها داده می‌شود، پس اصل قانونی بودن جرم و مجازات از سوی گزارشگر نادیده گرفته شده است.

۳- گزارشگر بسیاری از موارد مهم که بخشی از مجموعه کارنامه حقوق بشر رژیم است از جمله فعالیت سیاسی در خارج از کشور و مجازاتهای تعیین شده برای آن، ترور و تحت فشار گذاشتن پناهندگان که مورد توجه اداره امنیت داخلی هلند و آقای Van Mirlo وزیر امور خارجه قرار گرفته را از نظر دور نگاه داشته است.

نقد و بررسی از: انجمن فرهنگی نبرد - هلند

یادی از هنرمندان

اخبار

محمد رضا حمیدی

درخشش مرضیه در جشنواره های جهانی آواز در بلژیک و آلمان

تلاش جمهوری اسلامی برای عدم شرکت خانم مرضیه در این جشنواره با شکست روبرو شد.

روز یکشنبه ۲۸ ژوئیه امسال، خانم مرضیه در جشنواره جهانی اسفینکس در شهر آنورس بلژیک به طرز درخشانی به اجرای برنامه موسیقی ایرانی پرداخت. مرضیه بانوی آواز ایران در این برنامه بعضی از ترانه های فرانسوی ناشدنی خود را اجرا نمود که مورد استقبال ۴۰۰۰ نفر از شرکت کنندگان قرار گرفت. دومین کنسرت خانم مرضیه در جشنواره جهانی "صدا - ۹۶" در روز چهارشنبه ۳۱ ژوئیه در شهر لورواخ آلمان برگزار شد. مرضیه در این کنسرت که به همراه گروه سما شرکت کرده بود، با صدای زیبا و پر قدرت خود، چند ترانه به یاد ماندنی شیدا را در دستگاه ماهر اجرا نمود. خانم مرضیه در قسمت دوم کنسرت خود، تعدادی از ترانه های زیبای خود مثل شب مهتاب و بت چین را اجرا نمود. وی در بخش پایانی این برنامه دو ترانه و آواز در بیات ترک بر روی اشعار عرفانی مولانا و استاد حسن خراباتی اجرا نمود که مورد توجه و تحسین شرکت کنندگان قرار گرفت. گروه هنری سما در جشنواره "صدا - ۹۶" در شهر لورواخ هم چنین به اجرای یک کنسرت با شرکت هنرمند ارزنده کشورمان، آقای اسکندرآبادی پرداخت. در این برنامه اسکندرآبادی ترانه "ای آتشین لاله" را که از ساخته های زنده یاد استاد روح الله خالقی است را اجرا کرد که مورد استقبال شرکت کنندگان قرار گرفت. در روزهای قبل از برگزاری جشنواره لورواخ جمهوری اسلامی تلاش بسیار برای عدم شرکت خانم مرضیه در این جشنواره نمود که با ایستادگی گردانندگان جشنواره این تلاشهای ارتجاعی به شکست انجامید.

نمایش فیلمهای بهروز وثوقی

فستیوال فیلمهای بهروز وثوقی در سوئد برگزار شد. به گزارش روز ۱۶ مرداد رادیو پژواک در این فستیوال که در مالمو آغاز و در استکهلم ادامه یافت، فیلمهایی چون تنگسیر، قیصر، سوت دلان، داش آکل و گوزنها نمایش داده شد و بهروز وثوقی ضمن گفتگو با مردم به سؤالات آنها پاسخ داد. بهروز وثوقی در مصاحبه با رادیو پژواک می گوید: یک مسئله را روشن بکنم من در گذشته هم هیچ وقت فرمایشی کار نکردم، یعنی هیچ وقت قرار بر این نبوده من هر کسی هر چی می خواهد برایش کار بکنم نه این که در سینما من اشتباه نکردم و فیلمهای مثلاً ضعیفی را بازی نکردم، نه، ولی هیچ وقت فرمایشی هم کار نکردم. الان من برگردم اونجا، مطمئناً من باید کارهایی را بکنم که اونها دلشان می خواهد و اون اصلاً کاری نیست که من می خواهم. □

توماس گوتیه رز آلنا، یکی از بازماندگان سینمای نوین کوبا در ژوئن امسال درگذشت. شهرت آلنا و اهمیت فیلمهای وی در آن است که او در کشوری فیلم ساخت که در آن انقلاب سوسیالیستی رخ داده و از نظر غربیها و جهان سرمایه داری می بایدت در پس یک پرده آهنین یا محدودیت هنرمندان که خاصه اتحاد شوروی سابق و دیگر کشورهای بلوک سوسیالیسم وجود بود، امکان هر گونه انتقاد اجتماعی و یا ساخت فیلم خارج از چارچوبهای تعیین شده از وی سلب گردیده باشد. فیلم سازان کوبایی و به ویژه آلنا از این جهت یک استثناء محسوب می شوند. علیرغم تبلیغات وسیع علیه کوبا با این مضمون که این کشور بدون کمک مالی شوروی سابق امکان ادامه حیات و ایستادن ندارد، در بخش فرهنگ و هنر کوبا هیچ گونه پبروی از سیاستهای فرهنگی شوروی ننموده و تحت تأثیر آن قرار نداشت به همین جهت صنعت فیلم در کوبا را سینمای ملی و دارای هویت می دانند. آلنا با تلفیق فرهنگ کشورش و سنتهای انقلابی توانست در مجموع آثاری ارائه دهد که مورد تحسین همگان قرار گرفت. به ویژه این خصیصه در فیلم معروف خاطرات دوران عقب ماندگی (خاطرات کم رشدی)

ساخته شده در سال ۱۹۶۸ نمود بارزی دارد. وی فیلم سازی را پس از انقلاب کوبا با فیلم مستند داستانهای انقلاب (۱۹۶۰) در مورد انقلاب کوبا و شرکت مردم در آن آغاز نمود. دوازده صندلی (۱۹۶۲) علیرغم مضمونی که از برداشتی نو بنا آمیزه ای از فرهنگ کوبایی برخوردار بود. سرگ یک بوروکرات (۱۹۶۶) که یکی دیگر از فیلمهای مهم وی محسوب می شود علاوه بر طنز تند انتقادی، سیستم بوروکراسی حاکم بر کوبا و خطر رشد آن را نشان می دهد. این فیلم هنگام نمایش در کشورهای غربی با واکنش حیرت انگیز منتقدین روبرو شد. زیرا آنها فکر می کردند سینماگر اهل یک کشور سوسیالیستی با چنین دیدگاه انتقادی نسبت به سیستم حکومتی قادر به ادامه کار نخواهد بود. در فیلم خاطرات دوران عقب ماندگی، آلنا انگشت روی شخصیت نویسنده روشنفکری می گذارد که به جهت وابستگی طبقاتی به سرمایه داری شکست خورده در کوبا ورشد در مناسبات آن درگیر بحران شخصیتی است. خانواده وی پس از انقلاب و در پی مصادره اموالشان از کوبا گریخته اند و او مانده است که آیا به انقلاب بپیوندد و با سیاست درگیر شود یا فقط نقش خود را به عنوان یک روشنفکر، موضوعی که در برخورد متفاوت فرهنگی به سختی امکان پذیر است را حفظ کند.

پرداخت شخصیت اصلی داستان در فیلم نیز با شیوه های رایج و از پیش تعیین شده در سینمای کشورهای سوسیالیستی که می بایست چنین فردی از جامعه انقلابی طرد شود همخوانی ندارد به همین جهت بیننده با این شخصیت احساس تمایل می کند.

شام آخر ساخته شده در سال (۱۹۷۶) و توت فرنگی و شکلات ۱۹۹۵، فیلمهای بعدی آلنا هستند. در مجموع سینمای آلنا واجد دیدگاههای انتقادی و با محتوایی متفاوت، حکایت از فضای باز فرهنگی در کوبا دارد. □

* فدریکو گارسیا لورکا

۲۰ اوت هر سال یادبود جانبساختن فدریکو گارسیا لورکا شاعر و نویسنده اسپانیایی است. او در سال ۱۹۳۶ توسط نیروهای نظامی طرفدار ژنرال فرانکو فاشیست، تیرباران گردید. لورکا تا لحظه تیرباران به آرمانهای عدالت و آزادی خواهانه اش پایدار ماند و صراحتاً اعلام داشت که، تنها به جهت عقایدش دستگیر گردیده است. او در نوشته هایش آینده اسپانیا را پیش بینی نمود و گفت: دریغ است که سرزمین ما با جنازه مردمش فرش گردد. لحن عریسان عدالت طلبانه او به ویژه در اشعارش مورد پسند دشمنان آزادی و مردم نبود، زیرا که وی صراحتاً عوام فریبی آنها، تحت لگوی دفاع از سرزمین و خطر تجزیه کشور را به طنز می گرفت. لورکا به خاطر حمایت از سوسیالیستها و به ویژه دفاعیاتش در دادگاه به عنوان یک "سرخ" (اصطلاحی که در مورد کمونیستها به کار برده می شد) شناخته می شد و تا زمان دستگیری آخرش، چند بار به اتهام واهی "تشویق مردم به قیام و توهین به مسئولان مملکتی" در برابر دادگاه حاضر، که با فشار و حمایت دوستانش رها شد.

موقعیت سیاسی اسپانیا در سال ۱۹۳۶ صحنه رویارویی فاشیستها و نیروهایی شد که خواهان ادامه روند دموکراتیزاسیون کشور بودند. در ۱۳ ژوئیه همین سال مادرید شاهد رویارویی وسیع نیروهای چپ با ائتلاف ناسیونالیسمهای افراطی و فلاترها شد که به کشته شدن صدها نفر انجامید.

ژنرال فرانکو طی یک پیام رادیویی در ۱۸ ژوئیه هم را به رویارویی با نیروهای چپ فراخواند. ۱۸ اوت ۱۹۳۶ حکم دستگیری لورکا به اتهام عضویت در انجمن دوستی اسپانیا و شوروی و جاسوسی برای شوروی توسط یکی از فرماندهان نظامی تحت امر فرانکو صادر و لورکا در خانه دوستش دستگیر گردید. سحرگاه ۲۰ اوت لورکا را به بهانه تعویض محل زندانش را به محل دیگری حرکت داده و در بین راه در یک جاده قدیمی روستایی او را تیرباران کردند. فاشیستها از ترس عواقب عمل خود و جلوگیری از اعتراض به قتل نویسنده و شاعری با شهرتی جهانی محل دفن جنازه او را به کسی اعلام نکردند. یک ماه قبل از دستگیری اش در دیباچه "غزل گریز" نوشت: "من شخصاً هیچ وقت یک سیاستمدار نخواهم شد. من انقلابی هستم و هیچ شاعری کامل نیست، اگر انقلابی نباشد."

* توماس گوتیه رز آلنا

اریک رود، مورخ سینما در کتاب معتبر خود "تاریخ سینما" در مورد سینمای کوبا می نویسد: "در کوبا فیدل کاسترو مانند لنین به ارزش تبلیغاتی سینما پی برد و پس از انقلاب سال ۱۹۵۹ مؤسسه هنر و صنعت سینما را بنیاد نهاد و مستندسازی به نام سانتیاگو آواز را به مدیریت تولید آن گمارد. او در همین بخش از کتاب خود آزادی عمل فیلم سازان کوبایی و پرهیز آنها از به کارگیری قراردادهای سنتی در صنعت فیلم و استفاده از تفکر انقلابی را، خصوصیت بارز سینمای کوبا می داند.

زنان در خط تولید

اخبار

کنفرانس زنان مذهبی اروپا

اولین کنفرانس زنان مذهبی اروپا در روزهای ۲۱ تا ۲۸ ژوئیه امسال با شرکت ۱۰۲۳ زن در تریس برگزار شد. در این کنفرانس که با هدف آگاه نمودن زنان از توانمندیها و نقش تعیین کننده آنان در توسعه و ارتقای جوامع بشری برگزار شد، هیأتی از طرف "انجمن بین المللی حقوق بشر زنان" شرکت کرده بود. این انجمن طی روزهای برگزاری کنفرانس به برگزاری میز کتاب، ملاقات با نمایندگان شرکت کننده در کنفرانس، برگزاری کارگاه زنان مبادرت ورزید. در انتهای گردهمایی، یک بیانیه کلی برای نظرخواهی مطرح گردید. این بیانیه در زمینه های سیاست، اقتصاد، معنویات، نقش زنان در توسعه و... بود. در قسمت سیاست "انجمن بین المللی حقوق بشر زنان" پیشنهاداتی به کنفرانس ارائه داد. بخشی از این پیشنهادات که در بیانیه در نظر گرفته شد به قرار زیر است:

- جدایی دین از دولت
- پشتیبانی از استقرار دموکراسی در کشورها
- رعایت حقوق انسانی همه شهروندان در تمامی کشورها

کنفرانس بین المللی زنان

رادیو رژیم در برنامه روز ۸/ مرداد امسال گفت: "دومین کنفرانس بین المللی نمایندگان زن پارلمانیهای کشورهای اسلامی امروز در پایتخت مالزی گشایش یافت. در این کنفرانس ۸۱ نماینده زن پارلمان از ۳۵ کشور اسلامی در ۵ کمیسیون نتایج اجلاس اول را که سال گذشته در پاکستان برگزار شد و هم چنین پیش نویس اساسنامه یک تشکیلات اسلامی و برنامه های چهارساله کنفرانس را تهیه می کنند. کمیسیونی نیز دستاوردهای کنفرانس جهانی زنان در پکن را بررسی خواهد کرد. در این کنفرانس هیأتی از نمایندگان زن مجلس کشورمان حضور دارند."

آزادی خدمتکار فیلیپینی

رادیو بین المللی فرانسه اعلام کرد که سارا بلاباگان خدمتکار جوان فیلیپینی که در اسارت عربی متحده به اتهام قتل، نخست به اعدام و سپس به حبس ابد محکوم شده بود، روز ۱۰ مرداد آزاد و عازم فیلیپین گردید.

کنفرانس زنان "کلیسا و جهان"

کنفرانس مقدماتی سازمان "کلیسا و جهان" از اول تا هفتم ژوئیه امسال در شهر دری برخن هلند برگزار شد. در این کنفرانس یک هیأت به سرپرستی خانم حشمت سریری از سوی مقاومت ایران شرکت نموده بود. خانم سریری در یکی از جلسات کنفرانس به ایراد سخنرانی پرداخت و طی سخنان خود به افشای سیاستهای ارتجاعی رژیم حاکم بر ایران و تشریح دیدگاههای خانم مریم رجوی در زمینه برابری جنسی و حقوق زنان پرداخت.

یکنواخت و آینه خوبی هم ندارد، بسیار ناآرام و بی حوصله اند و اگر این کارگران از وضعیت خود ناراضی باشند ممکن است ماشینها را خراب کنند و یا رؤسای خود را مورد تهدید قرار دهند. ولی دخترها در بدترین شرایط، نهایتاً فقط کمی گریه می کنند."

کمپانیهای چند ملیتی زنان مجردی را ترجیح می دهند که فرزندی هم نداشته باشند. آزمایش حاملگی، به طور روزمره، برای کارگران اجباری است تا بدین صورت کارفرماها بتوانند از دادن مزایای مادر شدن به کارگران اجتناب ورزند. به گفته یک زن کارگر در کارخانه نساجی در هند "آنها زنان مجرد را استخدام می کنند ولی زسانی را ترجیح می دهند که قبلاً عقیم نیز شده باشند". در فیلیپین کمپانی اسباب بازی سازی "ماتل" به کارگرانی که رضایت به جراحی نازاسازی دهند، جایزه می دهد...

بیشتر این کارگران، زنانی هستند بسیار جوان، بین سن ۱۶ تا ۲۵ سال. یک مشاور در مدیریت توضیح می دهد که "وقتی تجربه کارگران زیاد شود، میزان حقوقشان هم بالا می رود". به خاطر این کمپانیها ترجیح می دهند که هر بار گروه جدیدی از دختران جوان را استخدام کند و تعلیمشان دهند تا آن که به زنانی که تجربه بیشتری دارند و سالها در این کار بوده اند، حقوق بیشتری بپردازند. کارخانه های مختلف، استانداردهای مختلفی برای میزان مهارت و سن کارکنان دارند. کارگران جوان، معمولاً زیر سن ۲۳، را می شود در کارخانه های الکترونیکی و نساجی که قدرت بینایی خوب و مهارت برایشان ضروری است، یافت. زنانی که مسن تر هستند (بالتر از ۲۳ سال) را می شود در کارخانه هایی نظیر مواد غذایی که نیاز چندانی به چابکی و نیروی بینایی عالی ندارد، پیدا کرد. عموماً شرایط در این کارخانه ها بسیار بد است. بدین صورت کمپانیهای چند ملیتی می توانند سود بیشتری را کسب کنند، چرا که این زنان ناچارند با حقوق کم کار کنند زیرا آنها نمی توانند در جاهای دیگر کار پیدا کنند... در عین حال، سیستم این کارخانه ها به قدرت مردان برای کنترل زنان در خانواده های سنتی مردسالارانه تکیه و آن را نیز تقویت می کند. سینتیا اتلو، جامعه شناسی که در سال ۱۹۸۲ یک کنفرانس بین المللی برای زنان کارگر کارخانه های نساجی ترتیب داد، می گوید، در جهان سوم "تاکید بر خانواده برای استراتژی مدیریت یک امر حیاتی است. شرکتهای قدیمی و کمپانیهای چند ملیتی امروزی، هر دو، خانواده را در جهت تولید کارگر و کنترل کارگران به کار می گیرند. حتی جریان استخدام یک امر خانوادگی است. زنان مستقلاً به بازار کار نمی روند تا شغلی بیابند. این مسئله ای است مربوط به پدرها و برادرها و یا شوهرها که زنان را در دسترس کمپانیها قرار دهند، البته بعد از آن که از طرف کمپانیها اطمینان حاصل کردند. پس انطباق مسئله ای است خانوادگی، چون در بیشتر مواقع، زنان چک حقوق خود را به والدینشان (و یا شوهرانشان) تحویل می دهند...."

یک چیز حتمی است "وقتی که روش توسعه کمپانیهای چند ملیتی با فرهنگ مردسالارانه سنتی تلاقی می کند، زندگی زنان باید عوض شود.

منبع: مجله زنان در کارخانه جهانی

انشارات: South end press

نیویورک ۱۹۸۳

نویسندگان: آنت فتنس - باربارا ارنویچ

مترجم: ناهید

"دلایل دیگری نیز برای ارجحیت نیروی کار زنان (به مردان) توسط این کمپانیها وجود دارد. کمپانیهای چند ملیتی نیروی کاری را نیاز دارند که سر به راه، مطیع و قادر به انجام کارهایی بسیار تکراری و کسل آور نیز بوده و به راحتی بتوان آنها را زیر نفوذ خود درآورد."

بیش از یک میلیون نفر از مردم جهان در مناطق آزاد تجاری - صنعتی در جهان سوم مشغول به کارند. میلیونها نفر دیگر در خارج از این مناطق تحت کنترل کمپانیهای چند ملیتی و کارخانه های تحت مالکیت سرمایه داران بومی به کار اشتغال دارند. ۸۰ تا ۹۰ درصد از کارگران خط تولید سبک زنان هستند. این یک تغییر فوق العاده از نمونه های اولیه ساختار صنایع کنترل شده توسط شرکتهای خارجی است. در گذشته ای نه چندان دور، توسعه اقتصادی مستلزم صنایع سنگینی از قبیل حفاری معادن و کارهای ساختمانی بود که همه اینها به معنی شغل بیشتر برای مردان و موقعیت اقتصادی رو به زوال برای زنان در مقایسه با نقش آنها در جوامع کشاورزی بود. ولی کمپانیهای چند ملیتی کارهای سبک خط تولید را، چه ساختن عروسکهای باریبی باشد و چه ساختن قطعات کامپیوتر، کاری مناسب برای زنان می دانند.

در همه جا به زنان کمتر از مردان حقوق داده می شود. یکی از دلایلی که کمپانیهای چند ملیتی به خارج آمریکا می روند این است که هزینه مربوط به نیروی کارگر را کاهش دهند، به همین خاطر نیز زنان بهترین انتخاب برای کارهایی از قبیل خط تولید شمرده می شوند. درآمد زنان همواره به عنوان یک درآمد دوم برای خانواده هایشان محسوب شده و شانس پیدا کردن کار نیز همواره برایشان محدود است. مدیریت این کمپانیها از این موقعیت دست دوم زنان سوء استفاده کرده و به آنها حقوق کمتر از مردان می پردازند و اخراج آنها را نیز در دوران رکود اقتصادی، به این صورت توجیه می کنند که "زنان نیاز زیادی به شغل ندارند و آنها در هر صورت از مشاغل خود استعفاء خواهند کرد تا بتوانند ازدواج کنند."

دلایل دیگری نیز برای ارجحیت نیروی کار زنان (به مردان) توسط این کمپانیها وجود دارد. کمپانیهای چند ملیتی نیروی کاری را نیاز دارند که سر به راه، مطیع و قادر به انجام کارهایی بسیار تکراری و کسل آور نیز بوده و به راحتی بتوان آنها را زیر نفوذ خود درآورد. مدیریت این کارخانه ها معتقدند که زنان با "شکیبایی طبیعی خود و مهارت انگشتانشان بهترین انتخاب برای این گونه کارها هستند". یکی از مدیران یک خط تولید در تایوان می گوید: "مردان جوان کارگر برای کارهایی که

"چهره هایمان را پنهان کرده ایم تا ما را بهتر ببینید"

"جهانی که ما رویای آن را در سر می پرورانیم، جهانی است که در آن دنیاهای بسیار دیگری جای دارند."

جهان - پ ار آی قدرت را در دست دارد. هرگاه این حزب چیزی را نهادی کرده باشد، همانا

خورنده ترین فساد، قتل‌های سریع و سرد سیاسی و تقلب انتخاباتی پایان ناپذیر است.

با این وجود موفقیت‌های کوچک و آسیب ناپذیر به طور خزنده در راهند. در فوریه ۱۹۹۶ قراردادی مبنی بر به رسمیت شناسی نوعی خودمختاری برای سرخ پوستان به امضاء رسید که هنوز جنبه اجرایی قانونی ندارد، دولت مشغول ممانعت از آن است. قابل تحسین ترین ویژگی ای که من در زاپاتیستها می بینم شهامت و خوشبینی آنهاست. با پیمان شکنان حرفه ای قرارداد امضا کردن بیانگر توانایی اعتماد کردن است.

اواخر آوریل دومین دور مذاکرات تحت عنوان "دموکراسی و عدالت" آغاز می شود. در یک فاصله دو ساعته از پایتخت، محل گفتگوها "سن آندره لارائینزا" قرار گرفته است. یک روستای کوچک و حقیر با چند صد سکنه، خانه های اریب وار و میدانی چهارگوش. نام این روستا را زاپاتیستها به "سن آندره دولس پیرس"، قدیس آندره فقیران تغییر داده اند.

اکتاویو روی صندلی عقب ماشین می نشیند، ما او را به همراه می بریم. در یک روستا در ده کیلومتری این جا زندگی می کند. دو کودک از مجموع نه فرزندش بیمار هستند. برای خرید دارو پول ندارد بنابراین باید به نزدیکترین کلیسا رفته و دعا کند. حداقل این را دیگر در "سن آندره" دارند. به هنگام وداع تبسم کنان می گوید: "لاپرجین مه ایثودارا"، مریم باکره مرا یاری خواهد کرد.

تدابیر امنیتی شدیدی اتخاذ گردیده است. واحدهای ویژه ارتش با فلزیاب دیوارهای صاف چوبی و سالن کنفرانس واقع در حیاط خلوت شهرداری را جستجو می کنند. اولین حلقه حفاظتی پیرامون ساختمان از اعضای صلیب سرخ مکزیک تشکیل شده است. در پنج متری آنها "سوسیداد سیویل" مرکب از سرخ پوستان، روستائیان معمولی، زنان و کودکان ایستاده اند. اغلب آنها پای پیاده روزها در راه بوده اند تا از زاپاتیستها حمایت معنوی کنند.

نمایندگان دولت وارد می شوند و اندکی بعد "آسه سورس"، مشاورین و میهمانان ای زد ال آن (AZLN)، فرهیخته ترین مغزهای مکزیک، حقوقدان، پروفیسور و مفسر سیاسی. شب هنگام - آنها احساس روشنی برای ایماهای رمانتیک دارند - هیئت ۲۶ نفره زاپاتیستها از راه می رسد، زنان و مردانی در "رنج روزهای" صلیب سرخ. هر ۲۶ چهره، پوشیده است، همان گونه که کتایه آمیز می گویند: "چهره هایمان را پوشانده ایم تا ما را ببینید". برای نخستین بار است که دولت مکزیک سرهای سرخ پوستان را جدی می گیرد.

در سالن جنب و جوش در می گیرد. شش روز تمام مذاکرات ادامه پیدا می کنند. رسانه های بین المللی خبرها را گزارش می کنند. صدای یک بلندگو میدان را در بر می گیرد، نه خطابه های تجدید پرورش پل پتی، نه تبلیغ نهجوبه مسیر استالینی تصادم از درون سقوط "سرمایه" در عوض طنزین یک ترانه عاشقانه مکزیک از آن به گوش می رسد. زمانی که بدان دقیق شدم، "انریکوگومز" در آندوه عشق به اشک نشسته بود: "و سر تو بر شانه ام".

بقیه در صفحه ۱۱

حرکت بود تا در سرزمین بی شرمانه ثروتمند، بی شرمانه فقیر چپاپاس فریاد بکشند، صدای رسایی

که روز بعد به مطبوعات دنیا راه یافت: "یا باستا - دیگر کافی است".

شبهای بعد روشن بودند، شهرداریها آتش گرفتند، مواضع پلیس به خاکستر تبدیل شد، زندانها ذغال شدند. ارتش مداخله نمود و با بیش از صد کشته. به نظر می رسد یک جنگ داخلی آغاز شده است.

نام چپاپاس بر نقشه دنیا ظاهر شد. سرزمینی که طی سه سال آتی، تاریخ قرن بیستم را با اندیشه هایی محسورکننده غنی خواهد ساخت. زیرا قرار نبود یک حکومت کارگری و دهقانی، مکزیک را از یوغ استثمارگران رها سازد. هیچ درازگوی چپی به کسالت روان نمی نشست، کسی انتقام را موعظه نمی کرد. یکی از تکان دهنده ترین جملات فرمانده مارکوس، متفکر، فیلسوف و مغز نظامی شورشیان، مانند فراخوانی شاعرانه به آشتی به گوش می رسد: "جهانی که ما رویای آن را در سر می پرورانیم، جهانی است که در آن دنیاهای بسیار دیگری جای دارند".

ما به سوی "لارائیدا"، "پایتخت" زاپاتیستها حرکت می کنیم، سفری در یک سرزمین به شدت نظامی شده، اکنون دولت در این جا ۱۷۰ پایگاه و ۶۰ هزار سرباز مستقر کرده است. از کنار ما دانشا کاروانهای نظامی عبور می کنند، می خواهند چنگ و دندان نشان بدهند، قدرت نمایی کنند، با نیروی برتر هراس بیافرینند. یک پست نظامی از مدارک شناسایی مان یادداشت بر می دارد. از ما عکس گرفته می شود. رژیم به هر کس که به شورشیان نزدیک شود سوء ظن دارد.

"لارائیدا" در مرکز جنگل "سلوا لا کاندونا" قرار گرفته، پایتخت جنگل یکنواخت، شش صد نفر سکنه، بدون برق، بدون کاتالیزاسیون، در عوض با یک جویبار، یک میلیون حشره، آب ذرت، توتیلاس و لوبیای سیاه - قهوه ای. این جا هم سوء ظن وجود دارد، بسیاری با هویت جعلی می آیند، بسیاری نامشان در لیست حقوق بگیران وزارت کشور ثبت شده است. در جایی با یک نیمه روز فاصله، مارکوس و فرماندهی ارتش زاپاتیست آزادیبخش مخفی شده اند. پس از بازرسی دقیق مدارک شناسایی و توصیه نامه هایمان، دقیقاً شانزده دقیقه از رسیدنمان می گذرد که صدای عجیبی به گوشمان می خورد، ۱۴ نفر زره پوش و جیب به آهستگی تمام در تنها جاده شنی روستا در حرکتند. یک نمایش مسخره، ما از آنها عکس می گیریم و آنها به نوبه خود فیلم برداری می کنند. پیام حضورشان به زاپاتیستها، تهدیدآمیز، بی وقفه.

سه شب تمام در نئو دراز می کشیم تا این که در چهارمین شب ماژور موسس - با کلاه کاموایی، طپانچه و تکی واکی - مرا از خواب بیدار می کند و مؤذبانه می خواهد که منطقه را ترک کنیم. در هر حال حاضر مصاحبه با مارکوس، برای فرمانده خطرناک است، ما فقط وقتمان را هدر می دهیم. ساعت چهار صبح به راه می افتیم.

رؤیاهای انسانی مارکوس جهانی را توصیف می کنند که در آن دنیاهای بسیار دیگری فضا را با یکدیگر تقسیم می کنند. اما صاحبان قدرت در کشور او، هیچ چیز را تقسیم نمی کنند و مقدم بر همه با سرخ پوستها. مکزیک در حال فاسد شدن است. از سال ۱۹۲۸ - بیش از هر رهبری سیاسی دیگر

منبع: فوکوس - ۱۵ ژوئیه ۹۶

رپورتاژی از آندریاس آلمن

مترجم: بابک

خوزه مارتینز مشغول آتش زدن جنگل است، قطعه ای به مساحت سه هزار متر مربع. مارتینز یک کشاورز کارآموده، همراه پنج پسرش درختان را آتش می زند تا برای ایجاد یک مزرعه ذرت فضا باز کند. کاری هدر دهنده، چرا که پس از چند سال این زمین دیگر ارزشی نخواهد داشت و خسانواده او ناچار خواهند بود در جایی دیگر باز هم درختان را آتش بزنند. مارتینز ۴۵ سال دارد و پوستش مانند یک پیرمرد ۸۰ ساله چین و چروک خورده است. او جمله ساده و خطرناک را به زبان می آورد: "سی ناداپاسا، آگو پاساسا - اگر اتفاقی نیافتد، اتفاقی خواهد افتاد".

از چپاپاس رایحه خوبی به مشام می رسد، بوی دریاهاى نفت که در دلش جای گرفته. نیمی از برق مصرفی مکزیک در این جا تولید می شود، مقدار زیادی قهوه در این جا می رویند، سرزمینی رنگین و پر از پستی و بلندی، با خاکی نرم و آسمانی که ماهها آبی روشن است. برخی از هفتاد زمیندار بزرگ که بهترین بخشهای چپاپاس را در اختیار دارند، با هلی کوپتر تردد می کنند، بدون آن حس مکان را از دست می دهند.

چپاپاس بوی آزار دهنده ای دارد. بوی تفاوتی و گرسنگی، درآمد متوسط سه دلار، لوبیا و توتیلاس غذای هر روز است. بیش از نیمی از سرخ پوستانی که در این جا زندگی می کنند (در مجموع یک میلیون نفر) خواندن و نوشتن نمی دانند. بوی بیماری، در هیچ نقطه ای از مکزیک خدمات درمانی این گونه نازل نیست. بوی جنون مذهبی میان کاتولیکها و پروتستانها، کشته و زخمی از هر دو طرف. و بوی ترور پلیسی، بوی جسد الکلیها، بوی مواد مخدر، بوی چهل هزار فاحشه، بوی تحقیر، بوی زخمهای دیرینه، بوی خشم سرکش، بوی جنگ. ده سال تمام سرخ پوستان که بخش بزرگی از آنها از تیره مایاهما هستند، خود را، مخفیانه، نامرعی، بدون صدا مهیا می ساختند. اول ژانویه ۱۹۹۴، پاسی گذشته از نیمه شب، نبرد آغاز شد، دوازده روز به درازا کشید و آن گاه پایان یافت و به نظر می رسد واژه اسپانیایی "لادیجینیدا"، حیثیت، در مکزیک مفهوم خود را دوباره باز یافته است.

تاریخ قیام مناسب بود، پلیس و سربازان سرخوش از مستی شب سال نو در پایگاههایشان آرمیده بودند و دولت در مکزیکوسیتی به اتفاق سفیران آمریکا و کانادا، به اجرا درآمدن قرارداد "تفتا" را جشن گرفته بود.

یک روز پیش از حرکت به سوی چپاپاس، از پنجره هتل در مکزیکو سیتی شاهد بودم که چگونه تظاهرکنندگان نرده های اطراف سفارت آمریکا را خم می کردند. خشم هنوز شعله می کشد.

برای کلیه ژنده پوشان مکزیک که دو سوم جمعیت کشور، یعنی ۶۰ میلیون نفر را تشکیل می دهند این قرارداد تجسم نئولیبرالیسم و مدرن ترین شکل استثمار در حال حاضر محسوب می شود. برای فقیرترین این ژنده پوشان (سرخ پوستان) این علامت

ائتلاف زاپاتیستهای مکزیک

مسکودر جستجوی

یک ایدئولوژی جدید

— لیلا

پس از سقوط اتحاد شوروی، روسیه اکنون خود را تحقیر شده یافته و زندگی را بی معنا، بی هدف و بدون یک ایدئولوژی که خوشبختی را به مردم نوید دهد، می بیند. به همین خاطر نیز اخیراً بوریس یلتسین در یک تلاش گسترده به فکر یافتن یک ایدئولوژی جدید که بتواند به زندگی مردم روح و معنا بخشد افتاده است. او در یک سخنرانی برای هوادانش می گوید: "مشکل ما این است که ما نه مانند دوران تزار و نه دوران اتحاد جماهیر شوروی دارای یک ایدئولوژی نیستیم". او از افرادش می خواهد که به او کمک کنند تا "یک ایده جدید ملی که مردم را با هم متحد کند" بیابد. خبرگزاری تاس که حرفهای یلتسین را مخابره نمود می گوید که: "یلتسین قول داده که تا یک سال دیگر به این ایده جدید دست یابد".

روزنامه واشنگتن پست روز یکشنبه ۴ اوت امسال گزارشی از تلاشهای یلتسین و هواداران او چاپ کرده است. واشنگتن پست می نویسد که: "روزنامه روسیسکایگرت که وفادارترین روزنامه به یلتسین است از مردم روسیه خواسته که: "بهترین ایده برای اتحاد ملی" را در ۷ صفحه تایپ شده برای این روزنامه بفرستند و هم چنین مبلغ ۱۰ میلیون روبل یا ۲۰۰ دلار جایزه برای این امر تعیین کرده است.

روزنامه هوادار یلتسین هم چنین از مردم می خواهد که با شماره تلفن مخصوصی تماس گرفته و به سؤالاتی نظیر "آیا فکر می کنید ایده ملی روسیه قوی است؟" و یا "آیا با این نظر موافقتی که دیگر به اندازه کافی دموکراسی داشته ایم و زمان سفت کردن پیچها فرا رسیده است". پس از دو روز ۵۰ نفر با این شماره تلفن تماس می گیرند. مدیر روزنامه گفته است که به این جستجو ادامه خواهد داد. و گریگوری استار و معاونین یلتسین قول داده است که نتایج را بررسی کرده و حاصل آن را به یلتسین گزارش دهد.

در روسیه بحثهای قدیمی در مورد این که بر سر کشور چه آمده و چه کسی مقصر است بار دیگر در میان مردم، چه بر سر میز شام و نوشیدن یک بطری ودکا و چه در کوچه و خیابان به راه افتاده است. یک باور بسیار قوی در میان بسیاری از مردم شکل گرفته است. مردمی که خود را تحقیر شده و ناراضی می بینند، بر این باورند که یک متد یا تئوریه قوی دوباره "بهترین بودن" را به آنها بازگرداند.

مردم در نظرخواهیها می گویند که تقسیم کشور بزرگشان به طور طبیعی تأثیراتی منفی در داشتن قدرت بزرگ نظامی، قدرت سیاسی جهانی و حتی در اختیار گرفتن مدالهای فراوان طلا در بازیهای المپیک داشته است. در حالی که جوانان روز به روز به زندگی سبک غربی تمایل بیشتر نشان می دهند، اکثر مردم خوشبختی را در حفظ فرهنگ، هنر و موسیقی گذشته خود می دانند و به آنها افتخار می کنند. با این حال از نظر سیاسی اکثر مردم در ابهام قرار دارند و هنوز بحث آن که کمونیستها و یا یلتسین، کدام بیشتر در تابدودن آنها تأثیر داشته، ادامه دارد. مسلم است که شرکت دادن مردم در تصمیم گیری و ابراز آزادانه خواسته ها و امیالشان قدم مثبتی است که باید از آن استقبال کرد.

خانم کلینا استرویتسوا که یک رهبر سیاسی رفرمیست است می گوید: "ما در حال یک رشد طبیعی و آرام هستیم و این نمی تواند توسط دستور دولتی برقرار شود. راه حل در ساختن یک ایدئولوژی رسمی نیست بلکه پیگیری در ادامه ساختن یک جامعه سالم و آگاه که بتواند ایدئولوژی خود را خود پیدا کند، می باشد. □

"جنبش زاپاتیستها و بارزون، مانند دو واگنی هستند که روی یک ریل حرکت می کنند، و خواستار برقراری دموکراسی و عدالت در مکزیک، رسیدن به یک مکزیک صلح طلب، مکزیک شرافتمند هستند"

دو گروه عمده اپوزیسیون در مکزیک، یعنی زاپاتیستها و گروه ال بارزون روز یکشنبه ۳۰ تیر امسال (۲۱ ژوئیه ۹۶)، یک قرارداد دفاعی متقابل را امضا کرده و بدین ترتیب مؤثرترین گروههای جنبش کشور به یکدیگر پیوستند. به گزارش رویتر در مراسمی که در یک روستای مکزیک برگزار گردید، مارکوس، رهبر زاپاتیستها و کوپریئوسالاس، رهبر گروه ال بارزون، به یکدیگر قول دادند که در مقابل هرگونه تعرضی که از طرف حکومت مکزیک قرار گرفتند، از یکدیگر دفاع نمایند. کوپریئو، در این مراسم خطاب به ۲۰۰ نفر هیأتهای بارزون که از سرتاسر کشور گرد آمده بودند، گفت: "در این نبرد ما مجاز نیستیم که اجازه دهیم کسی به روی یک زاپاتیست دست بلند کند. ما مجاز نیستیم که بگذاریم افراد ارزشمندی که در صفوف بارزون می جنگند، به زندان بیفتند." او گفت: "جنبش زاپاتیستها و بارزون، مانند دو واگنی هستند که روی یک ریل حرکت می کنند، و خواستار برقراری دموکراسی و عدالت در مکزیک، رسیدن به یک مکزیک صلح طلب، مکزیک شرافتمند هستند".

زاپاتیستها، در اولین روز سال ۱۹۹۴، برای رسیدن به دموکراسی بالاتر و حقوق مردم بومی دست به قیام مسلحانه زدند. آنها برای ۱۶ ماه درگیر مذاکرات صلح شده بودند.

ال بارزون که به زبان اسپانیایی به معنای "یاغی" است و در سال ۱۹۹۳ بنیانگذاری شد، در واقع یک گروه معترض دهقانی که خواستار تجدید زمانبندی وامهای روستائیان است. این جنبش تا دسامبر ۱۹۹۴، که نرخ بهره بانکی در آن تاریخ سر به آسمان کشید به سرعت رشد کرد. ال بارزون مدعی است که ۸۵۰ هزار عضو در مکزیکوسیتی و ۳۱ ایالت دیگر در کشور دارد. هر دو جنبش به توافق رسیدند که ترتیب برگزاری یک انتخابات سرتاسری مستقل را در اواسط ۱۹۹۷ و همزمان با انتخابات قانونی میان دوره ای بدهند. در این رفتارندوم عمومی از مردم خواسته خواهد شد که نظر خود را در باره سیاست اقتصادی دولت و توانایش برای اداره حکومت اعلام کنند.

مارکوس، طی یک سخنرانی در این مراسم، ال بارزون را "آگاهترین جنبشی که در کشور مکزیک و در انتهای این قرن وجود دارد نام برد". در یک مصاحبه که رویتر با مارکوس انجام داد، مارکوس گفت: "بستن این قرارداد به این معنا نیست که زاپاتیستها لزوماً هنگامی که نفرات بارزون به اسارت درآیند، به دفاع مسلحانه خواهند پرداخت. بلکه، آنها از قدرت و نفوذ معنوی که دارند برای دفاع از متحدشان استفاده خواهند کرد".

قرارداد روز یکشنبه، آخرین تلاش زاپاتیستها برای ایجاد پل بین خود و سایر جنبشهای سیاسی در مکزیک است. در تلاش قبلی این جنبش در سال ۱۹۹۴، زاپاتیستها تقاضای برگزاری دموکراسی کردند، که به خاطر عدم سازماندهی و اختلافی که با یکدیگر داشتند، این تلاش نافرجام ماند. □

"چهره هایمان را پنهان کرده ایم
تا ما را بهتر ببینید"

بقیه از صفحه ۱۰

"اسکار رودریگو گومز" از مکزیکوسیتی صد کیلومتر راه پر از گرد و خاک را طی کرده تا در کنار فروش سبزی، شعله صلحش را برافروزد. یک میز دعا از میله های چوبی که شعله جاودان بر آن پرتو افکنده و تصویر عیسی با قلبی خونین، اسکار با قاطعیتی انکارناپذیر می گوید: "تا زمانی که صلح استقرار نیابد، تا آن زمان دعا خواهم کرد." و "سنورا گراسیلا" کرکره مغازه کوچک اجناس یادگاری خود را بالا کشیده. مارکوس و زاپاتیستها روی زیرسیگاری، تی شرت، کلاه اسکی، پوستر، جاکلیدی و فنکدک دیده می شوند.

سرخ پستان خواهان سه موقعیت ساده و بنیادی هستند که هر انسانی می تواند به آنها تکیه کند، دموکراسی، آزادی، عدالت. دانیل میتران، بیوه رئیس جمهور فقید فرانسه نیز به آنها کمک نموده و به دعوت (AZLN) از مذاکرات دیدار می کند. او شجاعانه و با لحنی که کلیه اصول دیپلماتیک را زیر پا می گذارد، می گوید: "من در جبهه شما هستم". مقاومت نمایندگان دولت در "سان آندره" در مقابل این جمله و در برابر خواست دگرگونی در ساختار باندبازی سیاسی کشور کاملاً روشن است. برای آنها مسئله به جاه و مقام و امتیازات دهها ساله شان برمی گردد. به همین دلیل نتایج مذاکرات که روزانه اعلام می شود، بسیار ناچیز و محدود است. به نظر می رسد که با هدف یک مکزیک اجتماعاً منصف، چندین انقلاب فاصله وجود داشته باشد.

اکنون، اوائل ژوئن، مارکوس در "کریستوبال د لاس کاساس" یک شهر رمانتیک در "چیپاس، فراخوان یک "گفتگوی ملی" می دهد. فرمانده احتمال می دهد زاپاتیستها در آینده نزدیک اسلحه را زمین بگذارند و تنها با ابزار سیاسی برای تحقق رویاهایشان بجنگند، به عنوان یا سازمان غیر نظامی، صلح جو، ملی و دموکرات. مذاکرات صلح با دولت قرار است طی هفته های آینده پی گرفته شوند. مارکوس معتقد است با این وجود PRL باید قدرت را واگذار کند، در غیر این صورت دموکراسی در این سرزمین قابل تصور نیست.

آنچه برای زاپاتیستها اهمیت دارد، نبرد است. به نظر می رسد هیچ چیز قادر نیست آنها را تضعیف کند، مسلح به سلاح و به شکیبایی مقدسین، از مسیر پر سنگلاخ نهادهای رسمی درگذرند و آگاهی مقاومت آنها را زیبا می کند. هیچ ایدئولوژی آنان را هل نمی دهد، هیچ تمایلی به بردگی کشاندن کسی با جملات قالبی یا جهان بینی ندارند. فقط یک واژه وجودشان را تسخیر کرده است: "دیجیتسداد"، حیثیت. حیثیت باید وجود داشته باشد، بدون آن نمی خواهند زنده باشند.

در یک گفتگو با فرمانده "تاچو"، "داوید" و ۲۴ مرد و زن نقابدار دیگر، این کلمه مانند یک ترجیع بند مرتب تکرار می شود. در هر یک از چهار زبان آنها به گونه ای دیگر ادا می شود و آن چنان دشوار که به نظر می رسد برای زبان سفید پوستها غیر قابل تلفظ باشد. ما قول دادیم هر چهار فرم واژه "حیثیت" را به خاطر بسپاریم. □

طلاق در ادیان مختلف

گردآورنده: رویا

تمام مذاهب در مورد طلاق قوانین مخصوص به خود را دارند و در بعضی از مذاهب طلاق ممنوع شده است.

در ابتدا به قدیمی ترین رسوم معمول که از کتاب "زن در ایران باستان" اقتباس کرده ام، می پردازم و سپس به مذاهب مختلف نگاهی می اندازیم. (صفحات ۱۴۲-۱۴۳)

در ایران باستان اصولاً طلاق جایز نبوده و زن قبل از درگذشت شوهرش نمی توانسته شوهر دیگری اختیار کند. پس از فوت شوهر نیز اگر فرزندی از او داشت باید به او وفادار بماند و از ازدواج مجدد خودداری کند. فقط بانوی بانوان می توانسته در صورت عدم رضایت از شوهرش طلاق بگیرد. اما شوهر می توانسته در ۴ مورد زن خود را طلاق دهد. ۱- وقتی که زن نازا باشد. ۲- هنگامی که زن به جادوگری بپردازد. ۳- هنگامی که اخلاق زن فاسد گشته از جاده عفاف منحرف شده باشد. ۴- اگر روزهای عادت ماهانه را از شوهرش پنهان کرده باشد. در ویس و رامین آمده که پنهان داشتن عادت ماهانه از شوهر گناهی نابخشودنی است!!

در روایات زرتشتی آمده که مرد جز در صورت نازا یا منحرف بودن زن نمی تواند او را رها کند. همچنین در کتاب فلسفه زرتشت صفحه ۲۱۳ در مورد هشتاد و شش گات شماره ۸۰۷، ۹۰ می خوانیم که "همه بدکاران که زندگی زناشویی را دستخوش دروغ می کنند سرانجام با خودشان ستیز خواهند کرد و یکدیگر را برای آنچه کرده اند ریشخند و ملامت می کنند. رهبران راستکار و خوب، دختران و پسران را راهنمایی می کنند که در زندگی زناشویی با خرد و راستی رفتار کنند، تا از شهریاری اهورایی برخوردار شوند، تا آشتی و سازگاری بر زندگی آنان فروغ اندازد، تا ناسازگاری و بدی از خانه و شهرشان دور شود تا به بی مرگی برسند."

در مذهب کلیبی و کتاب تورات در قسمت اعداد (Numbers 30:9) آمده که "اگر یک زن بیوه یا مطلقه قسمی بخورد و تمهیدی به خدا نماید باید همیشه آن را نگهدارد ولی زنان شوهردار در صورت موافقت شوهر می توانند عهد خود را بشکنند". در قسمت دیگر تورات (Deutonomy 24: 1-5) آمده که "فرض کنید مردی با زنی ازدواج کرد و بعد تصمیم گرفت که او را نمی خواهد، مثلاً چیزی در او یافت که دوست نداشت. پس مرد کاغذ طلاق را می نویسد (رسم کلیبیها به اسم گت Get) و به او می دهد و زن را از خانه اش بیرون می کند. بعد فرض کنید که زن با مرد دیگری ازدواج کرد و آن مرد هم تصمیم گرفت که او را نمی خواهد و او هم کاغذ طلاق برایش بنویسد و از خانه اش براند و یا فرض کنید شوهر دوم بمیرد. در هر صورت شوهر اول نمی تواند با او دوباره ازدواج کند. باید او را ملوث (defiled) حساب کند. اگر با زن دوباره ازدواج کند از نظر خدا تهمت و چنین گناه بزرگی را نباید مرتکب بشوید". در کتاب زن و قوانین یهود (Women & Jewish Law) از راشل پیالری (Biale) آمده که طبق گفته تورات (Leviticus 21) یک روحانی کلیبی نمی تواند با یک زن مطلقه ازدواج کند، ولی ممنوع نشده که همان روحانی زنش را طلاق دهد. در این مذهب همچنین وضعیت خاصی به نام اگونا (Agunah) برای زن وجود دارد و زنی که به طریقی با ازدواجی درگیر است ولی با همسرش زندگی نمی کند که این حالت معمولاً به علت مرگ شوهر (بدون شاهد) و یا ناپدید شدن شوهر به وجود می آید و یا زنی که علیرغم جدا بودن، شوهرش او را طلاق نمی دهد، در حالت اگونا (کسی که در بند است) قرار داشته و

اجازه ازدواج دوباره را ندارد. در همین کتاب در مورد اگونا در صفحه ۵۲ می خوانیم: "یک زن حتی اگر شوهرش دیوانه و یا مفقود شده باشد و حتی برای ۳۰ سال خبری از او نیامده باشد. اجازه ازدواج دوباره ندارد مگر آن که شوهرش بمیرد یا او را طلاق دهد. در صفحه ۱۰۳ همان کتاب نکاتی از شرایط یک زن اگونا که تا آخر عمر نمی تواند طلاق بگیرد ذکر شده است:

۱- شوهر زن را ترک می کند و ناپدید می شود.
۲- ازدواج درست نیست ولی شوهر از طلاق دادن زن ممانعت می کند حتی پس از تهدیدهای (Bet (Din یا دادگاه ربانی (Untenable)
۳- ازدواج درست نیست ولی شوهر قانوناً قدرت طلاق ندارد (معمولاً به علت دیوانگی).
۴- زن یواما (Yevamah) به معنی آن که شوهرش می میرد قبل از آن که او بچه دار شود می شود و برادر شوهرش که باید با او ازدواج کند از این عمل خودداری می کند و مراسم مخصوص آزاد کردن زن (Halitzah) را هم به جا نمی آورد و زن یا محل زندگی برادر شوهر را پیدا نمی کند و یا برادر شوهر مرتد است که در این صورت نیز زن برای همیشه وابسته به مرد است و نمی تواند طلاق بگیرد.

در مسیحیت و در کتاب انجیل (Mathew 5: 31-33) آمده است "اگر کسی زنش را طلاق دهد باید به او یک نوشته بدهد ولی اکنون می گویم اگر مردی زنش را به هر علت، به جز خیانت، طلاق دهد، چون او را مجبور به زنا کرده است مقصر است. اگر آن زن دوباره ازدواج کند، مردی هم که با او ازدواج می کند زنا کرده است. در (Mathew 19:8) آمده که "مسیح جواب داد، موسی به شما اجازه داد که زنهايتان را طلاق دهید، چرا که درس دادن به شما سخت است. ولی در زمان خلقت این طور نبود، در آن زمان اگر مردی، به جز برای خیانت، زنش را طلاق می داد، در صورت ازدواج دوباره، زناکار می شد." در (Mark 10: 1-10) همین مطلب تکرار شده و در آخر حضرت مسیح گفته "مردی که زنش را طلاق می دهد و زن دیگری می گیرد زنا کرده و به همین ترتیب زنی که شوهرش را طلاق می دهد و مرد دیگری می گیرد هم زناکار است." این مطلب در (Luke 16:18) هم تکرار شده است. در (Corinthians 7: 12-14) آمده که "اگر مرد مسیحی با یک زن غیر مسیحی ازدواج کرد و او راضی به ادامه زندگی با آن مرد بود، او نباید آن زن را طلاق دهد. و اگر یک زن مسیحی با مرد غیر مسیحی ازدواج کرد و آن مرد حاضر به ادامه زندگی با او بود زن نباید او را طلاق بدهد.

در اسلام و قرآن مبحث طلاق در چند آیه تشریح شده است. به عنوان مثال در سوره البقره آیه های ۲۲۷ تا ۲۳۲ آمده که: "زنان مطلقه باید برای سه ماه عده را نگهدارند (سه دفعه عادت ماهانه) و درست نیست که اگر بچه ای در رحم دارند آن را از بقیه پنهان کنند. شوهران بهتر است که در این دوران امکان آشتی کردن را بدهند. و زنان باید حق مساوی با مردان در این زمینه داشته باشند ولی همیشه مردان یک درجه امتیاز بیشتر دارند" در آیه ۲۲۹ آمده که: "فقط دوبر می توان زن را طلاق داد و مرد حق پس گرفتن هدایا و یا متعلقات زن را ندارد، اما زن می تواند مهریه خود را برای به دست آوردن آزادی اش ببخشد". در آیه ۲۳۰ سوره البقره آمده: "بعد از سه طلاق نمی توان دوباره به آن زن رجوع کرد مگر آن که شخص دیگر با او ازدواج کند و اگر آن شخص زن را طلاق دهد، شوهر اول می تواند دوباره با آن زن ازدواج نماید." (در مسیحیت و یهودیت این ازدواج دوباره ممنوع است). در آیه ۲۳۱ تاکید شده که "پس از پایان دوره عده یا

با آن زن دوباره ازدواج کنید و یا طلاق دهید و قصد آزار و اذیت زن را نداشته باشید".
در آیه ۲۳۶ سوره البقره آمده که: "هیچ اشکالی ندارد اگر زن را قبل از شب زفاف (عمل زناشویی) یا قبل از قطعی کردن مبلغ جهیزیه طلاق دهید و ولی به آنها هدیه ای بر حسب این که فقیر و یا غنی هستند بدهید و او را به مبلغ مناسبی رضایشان کنید که این کار برای کسانی که درستکار هستند واجب است."

عده ای این آیه را دلیل بر اجازه صیغه قلمداد کرده اند و می گویند معنی صیغه در آن مستتر است! در حالی که من چنین معنی را در این آیه مستتر نمی بینم. چرا که اصولاً در صیغه طلاق معنی ندارد چون در صیغه از ابتدا مدت آن تعیین شده است. لغت صیغه و بحث مربوط به آن در سراسر قرآن یافت نمی شود هم چنان که لغت سنگسار نیز در قرآن وجود ندارد. البته در تورات سنگسار چند بار اشاره شده. ولی بحث صیغه در تورات هم نیامده و این امر رسم متداول قدیمی بوده چون بیاب مزاج مردان بوده، این رسم هنوز متداول است گرچه عمر خلیفه دوم آن را منع و منسوخ کرد ولی معلوم نیست از کجا دوباره احیا شد. در اینجا دوباره تاکید می کنیم که تفسیر صحیح قوانین مذهبی توسط سیستمی مترقی و بالاخص مادر تباری (به جای لغت زن سالاری) می تواند قوانین را برای زن متعادلتر و معقولتر نماید. می توان نتیجه گرفت که همچنان که بقیه احکام صراحتاً در قرآن گفته شده این آیه نیز که در مورد طلاق است هیچ ربطی به صیغه ندارد. در آیه شماره ۲۳۷ آمده که: "اگر زن را قبل از شب زفاف ولی بعد از قطعی کردن مهریه طلاق دادید، در این صورت نصف مهریه را باید بدهید مگر آن که خود زن آن را به شما برگرداند" ادامه این آیه در مورد کسی که ازدواج در دست اوست صحبت می کند که این شخص مرد فرض شده ولی می تواند زن هم باشد چرا که در آخر آیه می گوید سعی کنید رعایت آزادی و عدالت را بین یکدیگر فراموش نکنید. در همین سوره آیه ۲۴۱ می گوید: "برای زنان مطلقه مقرری عادلانه ای بدهید که از واجبات برای درستکاران است."

در سوره الاحزاب آیه ۴ آمده که: "خداوند به مردان دو قلب نداده (دو کاراکتر) و اجازه نداده که زنهای خود را به طریقه "ظیهار" طلاق دهید که او را مثل مادر خود قلمداد کنید". در این جا اشاره به رسمی است که در عربستان قدیم معمول بوده و زن را طلاق کامل نمی دادند تا حق و حقوقی به او تعلق نگیرد و تبدیل به مادر می شد و حالتی بین زن و مادر داشت مثل مسئله اگونا در دین کلیبی که زن هنوز به مرد وابسته بود و آزاد نبود.

در سوره المجادله آیه ۴۰۲ در مورد طلاق به طریقه ظیهار آمده که: "اگر مردی زنش را به طریقه ظیهار طلاق داد عمل اشتباه و غلطی به کار برده و هیچکس به جز زنی که او را به دنیا آورده نمی تواند مادرش باشد، ولی کسانی که به این طریق عمل می کنند و بعد از حرف خود پشیمان می شوند باید یک برده را آزاد کنند قبل از آن که دوباره به زن خود نزدیک شوند. و اگر برده ای ندارند باید برای دو ماه روزه بگیرند و یا به اندازه ۶۰ نفر فقیر را غذا بدهند تا قبل از آن که دوباره بتوانند با زن خود نزدیک شوند."

در سوره طلاق آیه ۷۰۱ به طور خلاصه آمده که: "اگر زنی را طلاق می دهید، مدت عده را به دقت بشمرید و بعد آنها را از خانه بیرون نکنید مگر آن که خیانتکار باشد. پس از پایان عده برای طلاق دو شاهد انتخاب کنید و همچنین مدارکی اگر لازم است. اگر زن یائسه است سه ماه صبر کنید و اگر حامله است باید صبر کرد تا بچه به دنیا بیاید. در بقیه در صفحه ۱۴

از میان نامه ها

تبعیض مثبت به کدام معنا

تقریباً از متن کتب و مقالات یا بحث بین روشنفکران می توان دریافت که امروزه بحث رهایی زن از استعمار و تبعیض جنسی و کوشش برای برابری زن و مرد جز، لاینفک دموکراسی، صلح و عدالت اجتماعی است و هر زمان که از دموکراسی صحبتی به میان می آید حتماً از لزوم رفع ستم و تبعیض علیه زنان نیز گفته می شود.

از وضعیت زنان در ایران تحسنت حسابکمیت دیکتاتورهای مرتجع سخن بسیار گفته شده و قطعاً موارد ستم نسبت به آنان بر کسی پوشیده نیست. با آمدن خمینی در سال ۵۷، آسما و آرزوهای، زنان انقلابی و روشنفکر که برای کسب حقوق و اعتلای مقام زن از پیش از یک قرن پیش در ایران مبارزه کرده بودند در پرده ابهام قرار گرفت. اما با تشکیل مقاومت مردمی و روند رو به رشد آن و شرکت زنان فعال در این جنبش و تاکید آنها بر رفع هرگونه ستم از زن بار دیگر بارقه های امید در تاریکی وحشت و حقدان در باورهای ناامید زنان تابیدن گرفته است.

در شماره ۱۳۴ نبردخلق مقاله آقای ناظر در خصوص رد تبعیض مثبت حاوی نکاتی است که نظراتم را در مورد آن نه به عنوان یک زن بلکه به عنوان دوستدار عدالت و برابری بیان می کنم.

زمانی که کلمه تبعیض به میان می آید در اذهان این چنین تداعی می شود که حتماً تبعیض مثبت برای برابری زن و مرد به این معناست که باید مردان برای مدتی در جامعه آتی ایران از صحنه حذف گردند و جای آنان در اختیار مردان قرار گیرد تا زنان هم بتوانند خود را باور کرده و به آن چه که بالاتر از خانه داری است بپردازند. اما به نظر من بهتر است از تبعیض مثبت این گونه برداشت کرد که مسئله تبعیض علیه زنان و ظلم و ستمی که بر آنها می رود تنها خاص آنها نیست. در واقع کل جامعه تحت ظلم و ستم قرار گرفته اند و مناسبات و روابط ارتجاعی و ضد انسانی حاکم از سوی رژیم بر افشار توده های مردم انکارناپذیر است. اما یکی از وجوه مشخص و بارز این روابط مسئله زنان است که به دلیل تبعیض فاحش جنسی، تمامی زنان را دچار نوعی عقب ماندگی تاریخی و اجتماعی کرده و به دلیل همین کمبودها و حضور نداشتن آنها، این قشر از جامعه می باید مورد توجه و عنایتی خاص در جهت رشد آگاهی و قابلیت قرار گیرند که می توان آن را تبعیض مثبت نام نهاد.

رژیم مرتجع حاکم بر ایران هرگاه سخن از برابری زن و مرد به میان آمده، آن را به خواست ارتجاعی خود تعریف و اساساً زن را ناقص العقل و نیمه دیوانه خوانده است. همین طرز تلقی از حقوق برابری، زنان را دچار نوعی ناباوری و ترس خاصی مبتلا نموده که می باید با توجه خاص بر این ناباوری و تبعات آن غلبه کرد. البته این پذیرفتنی است که تنها زنان در ایران تحت ستم نبوده اند، بلکه خلقها، اقشار و دارندگان تفکر و اندیشه نیز در طی حاکمیت مرتجعین به نوعی ستم دیده اند، زمانی که از دموکراسی سخن می گوئیم بر آزادی بدون قید و شرط زنان نیز باید تاکید کرد.

قطعاً جنبش انقلابی مردم ایران می باید به سمت حرکت های بنیادی که محور هرگونه اثری از ستم طبقاتی و جنسی را مد نظر داشته باشد حرکت کند و یکی از موارد اساسی آن تغییر کلی ساختار فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در برخورد با مقام زن است. تاکید بر آگاه نمودن زنان به حقوق خود، مبارزه زنان برای کسب این حقوق شرط لازم برای تحقق دموکراسی در ایران است و به همین دلیل زمانی، زنان می توانند خود را از عقب ماندگیهای گذشته رها کنند که در جهت برابری نمودن آگاهیها از جمله شناخت مختصات نظام دموکراسی تلاش نمایند.

شیوا شجاعی - ۲۵ مرداد ۷۵

نگرشی به مقاله آقای ناظر در مورد شمار ضد امپریالیستی

پس از خواندن مقاله با محتوای آقای ناظر تحسنت عدوان "مرگ بر امپریالیسم" زنده بسند سرافرازی داری خصوصی" که در نبرد خلق شماره ۱۳۲ چاپ شده است، این سؤال برابری تداعی می شود که چگونه می توان روابط استعماری و امپریالیستی حاکم بر کشور توسعه یافته را از جناح مذهبی را برانداخت و از سوی دیگر با شناخت از ریشه دار بودن این روابط، در ضمن با طرح شعار مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع جهانی با دید یک تشاد اما از نوع فرعی به آن نگاه کرد. به بیان دیگر با طرح این شعار از طرف سازمان را در منافات کامل با برنامه "مداخله در خصوص سرمایه گذاری خصوصی" دید.

با توجه به امیدوارکننده بودن شعار "مرگ بر جهان شمولی آن با هدف سازمان را براندازی ارمنهای پیشه نظری می بایست به این نکته توجه داشت که جنبش فدایی با توجه به یک "دوروت تاریخی" اینگونه کنی تشکیل و با درک و تحلیلی صحیح از مناسبات حاکم بر جامعه، بر یک ائتلاف سیاسی شرکت و بر همین اساس، با طرح شعار "مرگ بر امپریالیسم" و در کابینه قبول داشته می چاند در بعضی نکات، با اینگونه حاکم بر سازمان اتفاق می افتد داشته باشد. اما در کلیت سازمان را هرگونه روابط استعماری و نابرابر امپریالیستی در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اقتصادی، به دلایل کلا مشخص مخالفت و ارائه این شعار بویا، محوری و اشتراکی که محتوای اینگونه کنی سازمان را نیز در بر گرفته، ارائه می دهد. نهایت از نظر دور داشت با ایجاد فشاری دموکراتیک و دولتی و لایحه، با اتکاء طبقه کارگر و زمینداران شهر و روستا به سندیکها و تشکلات کارگری و آگاه نمودن آنها به حقوق و ازادیهایی دموکراتیک می توان در عمل به محتوای عملی شعار مذکور رسید.

مجموع کرده زاده - خرداد ۱۳۷۵

آقایان معترض شده اند...

با سلام. مقاله مربوط به تبعیض مثبت در نشریه شماره ۱۳۴ خواندم. گرچه شرایط خواندنش بسیار سخت بود... به هر حال کلاه قضاوت را پوشیده و چشم بند عدالت را بستم و مقاله را دوساره خواندم. اولین عکس العمل من این بود که چقدر جالب است که هنوز کوچکترین حقی در عمل به زنان داده نشده و فقط در یک اجتماع در خارج از کشور یک چند ماده خوانده شده است (چرا که حق مسافرت بدون اجازه شوهر و ازدواج بدون اجازه پدر و... فقط در داخل کشور امکان عملی شدن دارند) و آقایان معترض شده اند که میباید حقی به زنان داده شود و تبعیضی قائل شوند (نه به باره، نه به دانه...) اگر آقایان در زمانی که به زنان قوتها احصا می شد به همین سرعت در مقام دفاع از حق زن به صحنه می پریدند، شاید که تاریخچه ستم بر زن چنین قطور نمی شد! به هر حال از احساسات شخصی زنی چون من بگذریم که کم کم احساس می کنم اگر حقم را ندهند من هم همان تجاوزگری می شوم که چون در بچگی بهش تجاوز شده در بزرگی تجاوز می کند. به نظر من زن آگاه باید مدتی حق اضافه بگیرد تا تعادل برقرار شود ولی با آگاهی این تبعیض مثبت را بگیرد و آن هم بدین ترتیب که اگر در مقطعی یک زن و مرد دارای قابلیت های برابر بودند، زن انتصاب شود تا ستم های قبلی برای مدتی تعدیل شوند... ولی با یک قسمت مقاله موافق بودم و آن این که وقتی برای روشنفکران این همه زمان طول کشید تا به قبول معروف دو ریالی آنان افتاد بیفتد (حالا شاید ۵۰ تومانی شون با تورم فعلی!) پس برای خلق چقدر طول خواهد کشید؟ بعد اگر روشنفکری مثل آقای ناظر در اول کار چنین معترض هستند، برخورد خلق با دادن تبعیض مثبت به زن چه خواهد شد؟ مثل این که باز هم باید دست به دامن زنان روشنفکر فعال در مقاومت شویم تا تفهیمان کنند.

رویا - مرداد ۷۵

دیدگاهها

دیدگاه و همبستگی

دیروز افتخار شرکت در جلسه یادبود چریک فدایی شهید احمد را داشتم. جلسه کسه براسا شرکت خانام و دانشمندی خاتمه کمیته مرکزی سازمان برگزار می شد. از دو خصوصیت قابل تقدیری برخوردار بود. از یک طرف به خاطر عقاید مذهبی بازماندگان شهید احمد در جلوه مذهبی در یک کلیسا برگزار می شد. اهمیت این مسئله در این بود که فیهب احمد توانسته بود خود را از فضای متافیزیکی حاکم بر جمع بیرون کشیده و جان خود در راه آرمان ماتریالیستی دهد. دیگر اهمیت محتوایی این جلسه شرکت هواداران و اعضای از اعضای سازمان محاهدین خلق بود که با ادای احترام به آن مبارز چریک، بار دیگر به معنای مطلق آموختند که تضاد بین استعمار کننده و استثمار شونده است و نه بین با خدا و بی خدا.

علی بهروز - ۱۲ ژوئیه ۹۶

"تابوی" غیب قابل گفتگو

مقاله رعایت مواضع رادیکال در جنبش چپ به قلم دوست عزیز رضا الهادی در نشریه شماره ۱۲۹ نبردخلق به من عبرت داد که در مورد این "تابوی" دست نخورده در فرهنگ شرقی اظهار نظر بکنم.

پس از تحولات دهه ۱۹۶۰ در آمریکا و اروپا و رشد جنبش جوانان و تحولات اجتماعی که رخ داد پدیده کمتر شناخته شده ای به نام همجنس گرایی به صورت کلی در مداخل و نشریات آن زمان مطرح شد و البته با عکس العمل های شدیدی هم از طرف گردانندگان کلیساها (روحانیون) و حتی بسیاری از تحصیل کرده ها و مسأحتب نظر ران روبرو شد. پس از چندی کمپین خانواده هایی که فرزندان همجنس گرا داشتند به راه افتاد و والدین آنها علیه فرزندان خود دست به تظاهرات زدند. این وضع تا نیمه دهه ۱۹۷۰ ادامه داشت و در آن زمان همه به دنبال معالجه و درمان این "مرض" یا "بیماری" از طریق مداوا، پزشکی بودند! شاید امروزه نتوانیم زیاد به این تکرار که این گونه با این پدیده برخورد می کرده انتقاد کنیم. چرا که در آن زمان این مسئله هنوز به عنوان علامت سؤال در ذهن خیلی از افراد وجود داشت و اکثریت افراد جامعه به کمک کشیشهای مذهبی و با چساق اخلاقیات و تشکیل خانواده و... به چسان همجنس گراها افتاده بودند. در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ که تحقیقات پزشکی - ژنتیکی بسیاری روی این پدیده انجام گرفت محققین به این نتیجه رسیدند که فرد همجنس گرا نه از روی تمایلات شخصی و یا انتخاب، بلکه به اجبار و به حکم بیولوژی داخلی بدنش و اختلالات هورمونی به همجنس گرایی روی می آورد.

در اوایل دهه ۱۹۸۰ بود که در آمریکا دوباره کمپین خانواده های همجنس گرا فعال شد. اما این بار در جهتی کاملاً مخالف. این بار والدین به حمایت از فرزندانشان بلند شدند و سعی کردند که به جامعه بفهمانند که فرزندانشان "مریض جنسی" نیستند بلکه به دلیل شرایطی که خودشان هیچ نقشی در آن نداشته اند به هم جنس گرایی روی آورده اند.

در سال ۱۹۹۳ در مجله هفتگی تایمز (چاپ آمریکا) مقاله ای با عنوان "همجنس گرا متولد شده" پرفسوری پس از تحقیق و بررسی در مورد ۴۰ نفر انسان دو قلو همجنس گرا و کندوکاو در تاریخچه زندگی خانوادگی آنها و بررسی اجداد مادری و پدری آنها به این نتیجه رسید که در اکثر این افراد ژن مؤنث بیش از اندازه معمول وجود دارد و در واقع این افراد نیستند که باعث این بحران شده اند و باید سرنزش بیفوند بلکه مادرانشان هستند که با انتقال ژن نامناسب (البته به صورت خارج از کنترل و اراده شخصی) باعث چنین بحرانی در آنها شده اند!

بقیه در صفحه ۱۴

طلاق در ادیان مختلف

بقیه از صفحه ۱۲

مدت عده به زن اجازه بدهید برابر با شما زندگی کند و اذیتناش نکنید و اگر زن حامله بچه را به دنیا آورد با او با عدالت و مهربانی باشید و مخارج او را تأمین و با او به مشورت بنشینید. و اگر در شیر دادن بچه مسئله ای دارید به زن دیگری بسپارید تا بچه را شیر بدهد."

در دین بهایی طلاق و جدایی غیر قابل اجتناب، به طور مجزا در کتاب اقدس آمده است. در مورد طلاق صفحه ۱۵۰ کتاب اقدسونوشته شده که طلاق شدیداً منفور است. در قسمت ۶۷ صفحه ۴۳ کتاب اقدس در مورد جدائیهای غیر قابل اجتناب آمده که "خداوند مقرر داشته که اگر از بندگانش کسی قصد سفر دارد باید به زنش زمان ثابت برگشتن را اطلاع دهد. اگر سر وقت برگشت از درستکاران است ولی اگر به دلیلی تاخیر داشت باید به زنش اطلاع دهد و نهایت سعی را بکند که زودتر پیش زنش برگردد. اگر هیچکدام از اینها میسر نشد، زن باید برای ۹ ماه صبر کند و بعد از آن اشکالی ندارد اگر زن شوهر دیگری اختیار کند ولی اگر خبر مرگ و یا به قتل رسیدن شوهر را به شهادت دو نفر دریافت کرد، در پایان مدت زمان قید شده زن آزاد است که هر انتخابی بکند". در این مورد البته مسافرت زن حرفی زده نشده و معلوم نیست در این حالت مرد چقدر باید صبر کند. در قسمت ۶۸ کتاب اقدس صفحه ۴۴ نوشته شده که: "اگر بین زن و شوهر اختلاف و یا بی محبتی پدید آید، مرد نباید فوراً زنش را طلاق دهد، بلکه باید برای یک سال صبر کند شاید که محبت بین آنها دوباره گل کند. اگر پس از پایان این مدت محبت بین آنها پرنگشت اجازه طلاق دارند. خداوند رسمی را که قبلاً متداول بوده و آن مربوط به ممنوع بودن رجوع به زنی که سه طلاقه شده را منسوخ کرده و کسی که زنش را طلاق داده ممکن است پس از هر ماه، اگر علاقه ای بین آنها باشد بخواهد دوباره با او ازدواج کند، به شرطی که زن شوهر دیگری اختیار نکرده باشد. اما اگر زن دوباره ازدواج کرده باشد به این ترتیب جدایی محرز است و موضوع ختم شده مگر آن که به وضوح موقعیت زن تفسیر کند". در قسمت ۶۹ صفحه ۴۵ کتاب اقدس آمده: "اگر زنی همراه شوهرش در سفر

باشد و اختلافی بین آنها بروز کند، مرد بایدخرج یک سال زن را بدهد و یا باید او را به آنجا که سفرشان از آن جا شروع شده بود برگرداند و یا او را با وسایل شخصی به شخصی بسپرد که او را تا خانه همراهی کند". اما در قسمت ۷۰ نوشته شده که: "اگر زنی به خاطر خیانت اثبات شده ای طلاق داده شود هیچ مقرری دریافت نمی کند... به درستی که خداوند اتحاد و همزیستی را دوست دارد و از جدایی و طلاق متنفر است". در مورد یک سال که زن و مرد منتظر هستند در صفحه ۱۳۳ سوال ۹۸ نوشته شده که "باید در آغاز این دوره دو نفر شاهد باشند و در طول سال شاهد باقی بمانند و اگر آشتی صورت نگرفت، آن وقت طلاق جاری است، این مطلب باید در بیت العدل توسط روحانیون شهر ثبت شود". در صفحه ۲۱۱ نت ۱۰۰ می خوانیم که شوقی افندی اطمینان داده که زن و شوهر "حقوق مساوی برای درخواست طلاق دارند" هر وقت که هر کدام "احساس کردند که این کار ضروری است". و در نت ۱۰۱ می گوید "بهاءالله رسم سه طلاقه و محلل را ملغی می کند".

در جواب سوال ۳۸ صفحه ۱۱۸ که می پرسند، اگر در زمانی که زن و مرد در دوران یک سال قبل از جدایی هستند و یکی از آنها درخواست رجوع کرد چه باید کرد؟ جواب داده شده که: "باید هر دو، هم زن و هم مرد راضی باشند تا آشتی صورت بگیرد". در پاسخ سوال ۷۳ در صفحه ۱۲۷ که پرسیده شده اگر در پایان سال شوهر از طلاق دادن سرباز زد چه می شود و جواب داده شده که: "منظور از آن دو شاهد آن بود که با دخالت آنها طلاق به اتمام برسد". در جواب سوال ۹۸ نوشته شده که: "چون خداوند طلاق را دوست ندارد در آن مورد صحبتی نکرده. ولی در کتاب (The Gardeners of Phillipe & Colette) در صفحه ۱۱۱ در مصاحبه با خانم فرانسوا، ایشان می گوید که: "حالا که راجع به موضوع بحث می شود، باید اضافه کنم که طلاق در اعتقاد بهایی تشویق نشده ولی ممنوع هم نشده است". همان طور که ملاحظه شد، در مورد طلاق در مواردی با قوانین بی رحمانه (مثل آگونا و ظیهار) در مورد زنان مواجه می شویم مسلم است که هر تفسیری که حقوق مساوی زن و مرد را در طلاق بپذیرد، به نفع زن است.

پزشک و... در جوامع مختلف زندگی می کنند و همگی به خاطر هنرشان و به پاس زحماتشان به جامعه قابل احترام هستند. به عنوان مثال می توان از "پازولینی" نام برد که در مورد وی مقاله ای در نبرد خلق شماره ۱۲۸ چاپ شد. وی نابغه سینما بوده و در زندگی شخصی خویش همچون گرا بوده است. قصد بنده تأیید و یا تشویق همجنس گرایی نیست بلکه به رسمیت شناختن حقوق آنها به عنوان جزئی از جامعه است. متأسفانه هنوز هم بین ما افرادی هستند که به فرد همجنس گرا هم چون "غول بی شاخ و دم" و یا "مظهر کثافت" می نگرند! در خاتمه با تشکر مجدد از دوست عزیز رضا الموتی تأکید می کنم که بیانییم و به عنوان نیروی چپ پیششار و انقلابی شعار "نابود باد آپارتاید جنسی" را در برخوردهای روزمره زندگی خودمان به کار ببریم.

جاوید بخت - تیرماه ۷۵ - لندن

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی ترکیه

پس از ۶۹ روز اعتصاب غذا و مرگ ۱۲ زندانی سیاسی ترکیه، دولت آریاکان در مقابل بخشی از خواستههای زندانیان تسلیم شد. اعتصاب غذا روز ۲۸ ژوئیه پایان یافت. پس از مرگ یازدهمین زندانی سیاسی در اثر اعتصاب غذا و زیر فشار اعتراضات و تظاهرات گسترده داخلی در ترکیه و حمایت افکار عمومی بین المللی دولت آریاکان به بخشی از خواستههای زندانیان سیاسی تن داد و این در حالی بود که "شوکت کازان" وزیر دادگستری گفته بود برای پایان دادن به اعتصاب ارتش را به زندان گسیل خواهد داشت.

خواستههای ۲ هزار زندانی سیاسی ۳۲ زندان ترکیه، برخورداری از حق داشتن تماس خصوصی با وکلا، پایان دادن به بدرفتاری و شکنجه افراد و اعضای خانواده های زندانیان سیاسی توسط ماموران امنیتی، بستن زندان مخوف "اسکی شهیر" معروف به تابوت و داشتن روزنامه و رادیو بوده است. زندانیان اعتصابی عموماً به سازمانهای چپ وابسته هستند. در بین اعتصابیون، ۳۰۰ نفر از زندانیان به اعتصاب غذای خشک دست زده بودند. روز یکشنبه ۲۸ ژوئیه، پس از عقب نشینی دولت در برابر بخشی از خواستههای زندانیان و دادن قبول رسیدگی به وضع زندانها، زندانیان دست از اعتصاب کشیدند.

اطلاعیه

از خواست برحق زندانیان سیاسی ترکیه حمایت می کنیم

بیش از دو ماه است که تعدادی از زندانیان سیاسی در ترکیه دست به اعتصاب غذا زده اند. به علت عدم توجه دولت ترکیه به خواست برحق این زندانیان و از آن جا که اعتصاب کنندگان مصمم به ادامه حرکت خود هستند، تاکنون بیش از ده نفر از این زندانیان به شهادت رسیده اند. وزیر دادگستری دولت فعلی ترکیه که عضو حزب اسلامی رفاه است، نه فقط به خواست زندانیان توجه نمی کند، بلکه آنان را هر روز به سرکوب هرچه بیشتر تهدید می کند. او که مدعی مبارزه با تروریسم است، بارها از تروریستها و ماجراجویانی که حادثه شهر سیواس که منجر به قتل بیش از ۳۵ نفر از روشنفکران ترکیه شد، را آفرینند، حمایت کرده و در محاکمات مربوطه وکالت آنان را به عهده داشته است.

دولت ترکیه بدون توجه به موازین حقوق بشر و میثاقهای بین المللی مربوط به آن، با شدت و حدت هرچه تمامتر به سرکوب مبارزین ترک و کرد مبادرت می ورزد و حتی به خواست برحق مبارزین دریند پاسخ مثبت نمی دهد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، ضمن محکوم نمودن رفتار دولت ترکیه در رابطه با زندانیان سیاسی، مصراحتاً خواستار مداخله بین المللی برای نجات جان زندانیان سیاسی در ترکیه است. ما از تمام ایرانیان خارج از کشور می خواهیم که برای همبستگی انسانی با زندانیان سیاسی ترکیه به هر شکل ممکن به رفتار دولت ترکیه اعتراض نموده و خواستار رسیدگی عاجل به خواست این زندانیان شوند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۲۶/ژوئیه/۹۶

"تابوی غیر قابل گفتگو"

بقیه از صفحه ۱۳

امروزه در جوامع پیشرفته، خلاقیت و توانایی افراد مستقل از "جنسیت" آنها مورد ارزیابی قرار می گیرد. اگر به محیط اطراف خودمان نگاه کنیم در محل کار یا تحصیل افراد همجنس گرایی را می شناسیم که در حرفه کاری خود انسانهای معمولی و گاهاً برجسته ای هستند ولی آنها معمولاً نیازی نمی بینند که احساسات و تمایلات خود را از جامعه و محیط اطراف خود پنهان کنند. در جامعه هم به همان مقدار که به من نوعی احترام گذاشته می شود به آنها هم گذاشته می شود، چرا که در آخر خط همه ما با هم و صرف نظر از ملیت، جنسیت، تمایلات شخصی، رنگ پوست، مذهب و ... جامعه را تشکیل می دهیم پس چرا باید عده محدودی بنا به علتی که خودشان حتی آن را انتخاب هم نکرده اند مورد تحقیر قرار گیرند؟

هزاران خواننده، موزیسین، فیلمساز، نویسنده

NABARD - E - KHALGH

Organ of the
Organization of Iranian People's Fedaian Guerillas
Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Published by :
NABARD CULTURAL ASSOCIATION

No : 135 22. Agust . 1996

NABARD B. P 20 91350 Grigny cedex FRANCE ***	NABARD Post fach 102001 50460 Koln GERMANY ***
--	--

HOVIAT P.O Box , 1722 Chantilly, VA 20153-1722 U.S.A ***	NABARD Casella Postale 307 65100 Pescara ITALIA ***
--	---

NABARD P.O. Box 56525 shermanoaks, CA 91413 U.S.A ***	NABARD P.O. Box 15 Toronto ont, M 5 S 2SG CANADA ***
---	--

NABARD P.O Box 10400 London N7 7HX ENGLAND	NABARD Post Fach 121 1061 Wien AUSTRIA
---	---

Fax: 1- 714 - 2629344 U.S.A

آدرس پست الکترونیکی نبرد خلق
E. Mail : Nabard@wanadoo.fr

برخی از رویدادهای تاریخی

بقیه از صفحه ۱۶
۱۳۵۷/۶/۱۳ - اولین تظاهرات گسترده و عظیم مردم تهران علیه رژیم شاه در روز عید فطر
۱۳۵۷/۶/۱۷ - کشتار مردم تهران (جمعه خونین) در میدان ژاله و اعلام حکومت نظامی در تهران و ۱۱ شهر دیگر توسط محمدرضا شاه
۱۳۵۷/۶/۱۷ - اعتصاب کارگران پالایشگاه تهران و آغاز اعتصابات سراسری
۱۳۵۸/۶/۱۹ - درگذشت رجل مجاهد، آیت الله طالقانی
۱۳۵۸/۶/۹ - شهادت مبارز برجسته، کاک فؤاد مصطفی سلطانی از اعضای رهبری کومله
۱۳۵۸/۶/۱۱ - کشتار وحشیانه مردم روستای قارنا توسط مزدوران رژیم خمینی به سرکردگی آخوند ملاحسینی
۱۳۵۹/۶/۱ - شهادت یکی از فرماندها نظامی جنبش خلق کرد، سرگرد عباسی عضو کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران
۱۳۵۹/۶/۳۱ - آغاز جنگ ایران و عراق
۱۳۶۰/۶/۸ - وقوع انفجار در ساختمان نخست وزیری رژیم خمینی و به هلاکت رسیدن رجایی، با هنر و تعدادی دیگر از سرکردگان رژیم خمینی
۱۳۶۰/۶/۱۴ - به هلاکت رسیدن دادستان کل رژیم خمینی
۱۳۶۰/۶/۲۶ - به دارآویخته شدن مجاهد خلق حبیب الله اسلامی عقیل آبادی در حیاط زندان اوین در مقابل جمعی از زندانیان سیاسی
۱۳۶۰/۶/۲۸ - شهادت روحانی مجاهد حبیب الله آشوری به اتفاق ۱۰۰ مبارز و مجاهد دیگر
۱۳۶۰/۶/۲۳ - قتل عام ۱۸ کارگر کوره پزخانه ساروقامیش به دست جاشها و پاسداران خمینی
۱۳۶۳/۶/۱۰ - انتشار اولین شماره دوره چهارم نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
۱۳۶۳/۶/۲۷ - تصویب عضویت سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در شورای ملی مقاومت ایران
۱۳۶۸/۶/۴ - ترور بهمن جواد (غلام کشاورز) از کارهای پرسابقه کومله توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در قبرس
۱۳۶۸/۶/۱۳ - ترور صدیق کمانگر عضو کمیته مرکزی کومله در نوار مرزی توسط مزدوران آخوندی
۱۳۶۸/۶/۱۱ - درگذشت منوچهر محجوبی، طنزنویس مشهور ایران به علت بیماری سرطان در لندن
۱۳۷۰/۶/۲۸ - ترور کاک سعید یزدان پناه، دبیر هیئت مؤسس اتحاد انقلابیون خلق کردستان توسط مزدوران رژیم آخوندی در سلیمانیه
۱۳۷۱/۶/۱۲ - درگذشت پرفسور محمود حسابی، دانشمند و فیزیکدان بزرگ ایران
۱۳۷۱/۶/۲۶ - ترور دکتر محمدصادق شرفکنندی دبیرکل حزب دموکرات کردستان ایران، قتاح عبدالله و همایون اردلان از مسئولین این حزب در خارج کشور و حسین نوری دهکردی توسط مزدوران رژیم آخوندی در برلن
روزهای بین المللی
۱۷ شهریور برابر با ۸ سپتامبر - روز جهانی پیکار با بیسوادی
۱۰ شهریور برابر با ۱ سپتامبر - روز جهانی صلح خارجی : از ۲۲ اوت تا ۲۳ سپتامبر
۲۲ سپتامبر ۱۸۶۲ - اعلام آزادی بردگان جنوب آمریکا توسط ابراهام لینکلن، رئیس جمهور فقید آمریکا
۱ سپتامبر ۱۹۳۹ - شروع جنگ جهانی دوم از سوی فاشیسم هیتلری، آغاز حمله به لهستان
۲ سپتامبر ۱۹۴۵ - اعلام جمهوری دموکراتیک مردم

تورنتو - کانادا
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
برگزار می کند

سخنرانی و پرسش و پاسخ
جنبش پیشتاز فدایی
در آستانه قرن بیست و یکم
شنبه ۲۶ اکتبر - ساعت ۶ بعد از ظهر
UNIVERSITY OF TORONTO
MECHICAL SCIENCES BUILDING
KING'S COLLEGE CIRCLE 1

اطلاعیه در مورد حق اشتراک و کمک مالی
مدتی است که پاکتهای حاوی پول که به آدرس پستی نبرد خلق در پاریس ارسال می شود، به دست ما نمی رسد. از این رو از خوانندگان نبرد خلق و هواداران سازمان می خواهیم که هیچ پول نقدی به وسیله پست برای آدرس سازمان در فرانسه ارسال نکنید. در آمریکا و کانادا حق اشتراک و کمک مالی خود را از طریق چک یا Money order به نام F.FARHAN به آدرس سازمان در کالیفرنیا ارسال کنید. در اروپا یا به حساب بانکی سازمان که در هر شماره نبرد خلق چاپ می شود واریز کنید و یا قبل از ارسال حق اشتراک و یا کمک مالی با ما تماس بگیرید.

به صدای صلح، دموکراسی و سوسیالیسم

صدای ارس، گوش فرا دهید.

با ارسال چک و یا Money order به مبلغ ده دلار، برای دریافت ۲ ساعت و یا ۱۸ دلار برای ۴ ساعت نوار برنامه رادیویی، می توانید برنامه های رادیو ارس را دریافت کنید. برای کسانی که بیش از ۴ ساعت برنامه رادیویی درخواست کنند، هر ساعت برنامه ۸ دلار محاسبه می شود. برای دریافت این برنامه ها با آدرس زیر مکاتبه کنید. برای رقبایی که امکان پخش برنامه های رادیو ارس در رادیوهای محلی کشورهای مختلف را دارند، برنامه های رادیو ارس به طور رایگان ارسال می شود.

Aras
TC 216 SFU, BURNADY BC
V 5 A 156
CANADA

Fax: 1- 604- 874- 9058

ویتنام در شمال این کشور
۲ سپتامبر ۱۹۴۵ - تسلیم ژاپن و پایان جنگ جهانی دوم
۳ سپتامبر ۱۹۶۹ - درگذشت رفیق هوشی مین
۴ سپتامبر ۱۹۷۰ - پیروزی سالوادور آلنده در انتخابات شیلی
۱۷ سپتامبر ۱۹۷۰ - کشتار مردم فلسطین در اردوگاههای اردن (سپتامبر سیاه)
۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ - انجام کودتای امپریالیستی علیه دولت ملی آئنده به دست پیئوشه و به شهادت رسیدن سالوادور آلنده
۸ سپتامبر ۱۹۷۶ - درگذشت رفیق مانوتسه تنگ
۱۶ سپتامبر ۱۹۸۲ - کشتار وحشیانه خلق فلسطین در "صبرا" و "شتیلا"
۹ سپتامبر ۱۹۸۴ - درگذشت یلمازگونی، کارگردان سینما و از مبارزان مردم کردستان ترکیه

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مدیر مسئول: زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای تماس مستقیم با نبردخلق و اشتراک آن، با آدرس زیر تماس بگیرید.

NABARD
B.P 20
91350 GRIGNY CEDEX / FRANCE

فرم اشتراک نبرد خلق

Name

Address

بهای اشتراک سالانه نبردخلق

اروپا ۷۵ فرانک فرانسه
آمریکا و کانادا ۱۸ دلار آمریکا
تک شماره ۷ فرانک فرانسه

حساب بانکی سازمان

نام بانک : SOCIETE GENERAL
آدرس بانک : BOULOGNE - S - SEIN
FRANCE

کد گیشه 03760
شماره حساب : 00050097851
نام صاحب حساب : Mme. Talat R.T

اعدام زندانیان سیاسی را محکوم می کنیم

آخوندهای جنایتکار حاکم بر ایران، در روز ۲ تیرماه مجاهد خلق مهرداد کلانی را اعدام کردند. مجاهد شهید مهرداد کلانی قبل از اعدام اطلاعاتی مبنی بر اعدام ۱۱ زندانی سیاسی را در اختیار آقای کاپیتورن قرار داده بود، اسامی این یازده نفر که توسط رژیم ایران اعدام شده اند به قرار زیر است علی حاج قاسمی، رحمان شیخی، محمد سلامی، تقی سلیمانی، علیرضا شاه آبادی، محمد رکنی، حمید رضا گمیجانی، طاهر گرگی زاده، محمد دخت گلشان، محمد غروی و محسن قارداش.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، ضمن محکوم نمودن این اقدامات جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی، از سازمانها و مجامع بین المللی مدافع حقوق بشر مصرا نه می خواهد که با برخورد قاطع با رژیم ایران از گسترش موج اعدامها جلوگیری کنند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، شهادت مجاهد قهرمان مهرداد کلانی و یازده زندانی سیاسی دیگر را به خانواده این قهرمانان راه آزادی و به آقای مسعود کلانی و سازمان مجاهدین خلق ایران تسلیت می گوید.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
۵ مرداد ۷۵

اطلاعیه ابه پیر

آبه پیر روحانی معروف فرانسوی طی اطلاعیه ای که در روزنامه کاتولیکی فرانسه لاکروا منتشر شد، اعلام کرد که "گفته های خود را" در مورد کتاب فیلسوف فرانسوی روزه گارودی، که متهم به تجدید نظر و انکار نسل کشی یهودیان است، پس می گیرد" و خواستار "پوزش از همه کسانی که جریحه دار شده اند" شد. وی اضافه کرد: "به مبارزه همیشگی خود با آنها ادامه خواهیم داد".

در آوریل گذشته، حمایت آبه پیر از گارودی، باعث برانگیخته شدن موجی از خشم شده بود. وی علنا از سوی کلیسای فرانسه مورد مزمت قرار گرفت و از جمعیت ضد نژادپرستی و ضد یهود خلع گردید. قبل از این موضوع، آبه پیر، ۸۳ ساله برای نیم قرن مبارزه در حمایت از فقرا و همه طردشدگان جامعه، به عنوان محبوبترین شخصیت فرانسوی در نظر سنجیها شناخته شده بود. در اطلاعیه بی که صادر کرد، آبه پیر گفت تصمیم گرفته است "کاملا به نظر کارشناسان کلیسا اتکا" کند. در نامه بی به روزه گارودی که هم چنین در روزنامه لاکروا منتشر شده است، آبه پیر از نویسنده کتاب "افسانه پایه بی سیاست اسرائیلی" از وی تقاضا کرد از این پس نامش به کتاب وی مرتبط نشود. او در این نامه نوشت: "به منظور پیشگیری از سوختن انرژیهای محدودم در جدالهایی که آسادی آن را نداشته ام، و برای وقف کامل خود به هدفی که تمام زندگی ام را صرف آن کرده ام، من باید از شرکت در این مباحثه بیرحم صرف نظر کنم". او می افزاید اعتماد "کامل" خود را به "صداقت" وی حفظ کرده و توضیح می دهد: "چرا که تو هم چنان مصر هستی در صورت اثبات اشتباهات احتمالی موجود در کتاب، آن را بپذیری و تصحیح کنی. خبرگزاری فرانسه ۱/ مرداد/ ۷۵

من و تو

من اگر "من" باشم
تو اگر "تو" باشی

پس چه کس "ما" گردد؟
دستها منتظرند، چشمها می گریند، قلبها بی طپشند.

من اگر "ما" گردم
تو اگر "ما" گردی

بندها می گسلند، اشکها می خشکند
خون ز قلبها می جوشد

چشمه ها جوشانند، چشمه همگامی
رودها در طغیان، آبشان کوثروار، عمقشان بی پایان

شنها در کف آن، پاک و صادق،
هر کدام یک "من" و "تو"

غنچه ها می شکفند، ریز و درشت،
هر کدام یک "من" و "تو"

جنگلها می سوزند، جنگل وحشت و ترس
آهوان آزادند،

بلبلان نغمه سرا، نغمه ها شورانگیز، آشنا با دل "ما"
من اگر "ما" بشوم، تو اگر "ما" بشوی

دیوارها، می ریزند،
پشت آن رود دگر،

پر ماهی، ماهی سرخ و قشنگ
هر کدام یک "من" و "تو"

فاصله بی معنا، مرزها فرسوده
روی نقشه، توی فکر

من و تو "ما" هستیم

ایده ها انسان ساز
کودکان در رؤیا، خفته در بستر ناز، زیر سقفی از گل

گل آتش، گل خون
گل پیروزی خلق

خلق آزاده ز بند، خلق آماده به مرگ
گل پژمردن زور

رسته بر گور شهید
گل نابودی ظلم

هر کدام یک "من" و "تو"
من اگر "ما" بشوم

تو اگر "ما" بشوی.

— م . ن . حامی

قطع انگشتان دست

انگشتان دست شش نفر در تهران قطع گردید. روزنامه ایرانی کیهان گزارش کرد که انگشتان دست راست شش دزد در تهران قطع گردید. این روزنامه می افزاید که قطع انگشتان دست در مقابل تعداد زیادی زندانی متهم به دزدی صورت می گیرد. این کار از این پس برای کلیه دزدان در ایران قابل اجرا است. دو تن از دزدان به نام اصغر پروندی و فرهاد هنردوست هم چنان در زندان می مانند و چهار تن دیگر پس از قطع انگشتان دست آزاد می شوند....

خبرگزاری فرانسه ۱۵/مرداد/۷۵

بریدن سر در الجزایر

در یک سوء قصد تازه در الجزایر دوازده تن سرنشینان یک اتوبوس امروز قتل عام شدند. عاملین این قتل عام سر برخی سرنشینان اتوبوس را از بدن جدا کردند و بعد دست به فرار زدند. مسئولیت این سوء قصد خونین را اگر چه هنوز هیچ گروهی به عهده نگرفته است، اما انگشت اتهام کارشناسان امنیتی الجزایر متوجه افراطیون اسلامی این کشور است. به نوشته مطبوعات الجزیره ۲۱ تن نیز در این میان مجروح شدند. طبق نوشته این مطبوعات، تروریستها سر بریده چهار تن از مقتولین را با خود بردند.

راديو فرانسه ۱/مرداد/۷۵

در برابر تندر می ایستند
خانه را روشن می کنند
و می میرند



شهادت فدایی

شهریور ماه

رفقای فدایی: یعقوب (امین) تقدیری - ایرج سپهری - علی میرشکاری - انور اعظمی - محمود باباعلی - اعظم السادات روحی آهنگران - حسن سعادتی - پروین فاطمی - طهمورث اکبری - جمیل یخچالی - شهریار و احسن ناهید - محمد مجیدی - حمید رضا مالکی - احمد صادقی - محمدتقی برومند - بهنام رهبر - بهمن رهبر - محمدرضا فریدی - سعیده کریمان - پرویز داوری - غلامحسین بیگی - حسن صالحی - علی رضا شاه بابایی - ناصر فتوتی - محمد سیاسی - حمیدرضا ماهیگیر - عباس کابلی - جواد کارشی - نادره نوری - علیرضا پناهی - قاسم معروفی - ابوبکر آرمان - هوشنگ احمدی - رشید یزدان پناه (سمکو) - بیژن جنتی - مرتضی خدامرادی - مصطفی شمس الدینی - قاسم سیدباقری - عبدالرضا غفوری - عزیز محمد رحیمی - اصغر جمفری جزایری - خسرو مبارکی - سعید رهبری - علیرضا یراق چی - محمدرضا ستوده - احمدرضا شماعی - مهدی سمیعی - ابوالفضل غزال ایاق - رشید آهنگری - محمد تمدن - جمشید میرحیدری - یونس رضائی - جلال فتاحی - محمدعلی ابرندی - سیاوش حسونند - ایرج سلیمانی، از سال ۱۳۵۰ تاکنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و به وسیله مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

برخی از رویدادهای تاریخی شهریور ماه

داخلی:
۱۲۸۶/۶/۸ - اعدام انقلابی اتابک السلطان از ضد انقلابیون دوران مشروطیت به دست عباس آقا از مجاهدین تیریز
۱۲۹۹/۶/۲۱ - شهادت شیخ محمد خیابانی
۱۳۲۰/۶/۳ - ورود نیروهای متفقین به ایران و پایان حکومت رضا شاه پهلوی
۱۳۲۱/۶/۱۱ - اعتصاب خونین کارگران ریسندگی سمنان و شهادت ۵ کارگر مبارز این کارخانه
۱۳۲۴/۶/۱۲ - تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان
۱۳۳۳/۶/۲۸ - امضاء قرارداد با کنسرسیوم بین المللی نفت، توسط علی امینی
۱۳۴۷/۶/۹ - درگذشت نویسنده انقلابی، رفیق صمد بهرنگی
۱۳۴۷/۶/۱۱ - اعدام ملاآواره و دو نفر دیگر از رفقایش توسط رژیم محمدرضا شاه در سردشت
۱۳۵۰/۶/۱ - دستگیری اولین دسته از اعضا و مسئولین سازمان مجاهدین خلق ایران به وسیله مزدوران ساواک شاه
۱۳۵۲/۶/۱۶ - شهادت مجاهد خلق، مهدی رضایی
۱۳۵۷/۶/۴ - تظاهرات وسیع مردم تهران و سقوط دولت آموزگار و تشکیل دولت شریف امامی
بقیه در صفحه ۱۵